

و در جلسه گذشته هم بنده عرض کردم راجع بیک مسئله است که کسانی که دارای این مال التجاره اند تکلیف آنها همین شود بلاوه وقتی را مهلت داشته باشند که آن مالی را که دارند بمصرف برسانند که خسارت نکشند این ماده که هیچ معلوم نمی کند که تکلیف کسانی که تجارت اینکار را و از هر چه بوده است و بنده چون ماده یک با کثرت از مجلس گذشت لازم ندیده اند در مقابل عرض بنده - شرح داده نشود که این مالیات تریاک را چه جور میگیرند آقای مغبّر توضیح بدهند که این توضیح ایشان توضیح قانون بشود چون قانون گذشته است بنده نمی دانم این سبب دینار که گرفته می شود از تریاک مالیده است یا اینکه اگر مالیده است و شیره مستفاد است خوب است آنرا توضیح بفرمایند که آن کسانی که دارای شیره هستند از این مالیات معاف هستند و تکلیف خود را بدهند.

فهم الملک - بنده فرمایشات آقای کاشف را هیچ ملتفت نشدم - عرض می کنم مقصود اول فرمایشات آقای کاشف را نفهمیدم اول فرمودند که نظر بنده تجارت است و بعد سایر فرمایشات ایشان واضح باشخصی بود که شیره استعمال میکنند و باید ملاحظه حالشان را کرد همین طور بنده ششم و لیکن همین قدر عرض میکنم - در اداره مالیه و تعدید تریاک یک مدتی از سال همین طور که فرمودید جواز می گرفتند از برای خرید فروش ولی یک مدتی است که انحصار کرده اند و هر جا که خرید و فروش میکنند برای دولت میکنند و اول فرارشان این بود که برای تریاک مثقالی سیصد دینار و عقیده شان این بود یعنی اینطور مذاکره شد که از برای سوخته هم همین طور مثقالی سیصد دینار فراوان بدهند بعد مطابق ترتیبی که در این چند ماه اخیر معمول داشته اند و مذاکره شد که همین طور انحصار باشد و آن ترتیبی که داده اند آن ترتیب بعمل نمی آمد و بلاوه اسبابی دیگر فراهم می آید که در هر جا باشد اسباب زحمت فراهم می آید و نرخش را همین طور بهمان نرخ عادلانه که در آنجا معمول بوده است سعی خریدند دولت خواهد خرید اما نسبت ادلی را اگر رجوع بفرمایند بصورت مجلس خواهند پانته که آن رأی که داده شده است از برای ترتیب تریاک همه قسم حدود همین شده است.

کاشف - بنده توضیح دارم .

نایب رئیس - یاد آوری میکنم که توضیح دادن وقتی است که سوء تفاهمی می شود آنوقت آن نماینده می تواند در رفع آن توضیح بدهد و این سبب می شود که بعضی از آقایان توضیح را وسیله قرار می دهند و نظرات مفصل می شود متنی هستم که از حدود توضیح خارج نشود.

کاشف - اظهارات آقای مغبّر را بنده تکذیب میکنم ایشان ملتفت اظهارات بنده نشدند و جواب بنده را ندانند معض رفاهیت تریاک کاشا نکتم و بعضی رفاهیت تجار گفتم و جواب عرض بنده داده نشده و بازم توضیح می خواهم .

پهچم هاشم میرزا - اولاً می خواهم این مطلب را عرض کنم که مکرر وقت مجلس توضیح

شده است در این باب و هیچ در مطالبه از برای آقایان نظریات شرعی پیدا می شود عقیده بنده این است که بنا بر آن در مجلس حل نخواهد شد چون در اصل موضوع مذاکره است و چنانچه آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند نظری هست خوب است با آقایان رجوع بفرمایید بجهت اینکه نظر منظری است که راجع بقانون گذاری است و هیچ نظری در مخالفت یا موافقت با قوانین شرع ندارد بجهت اینکه فرمودند که اکثریت بهره تعلق بگیرد اینطور نیست اکثریت ما هیچ تقریری در احکام شرع نمی تواند بدهد خوب است دیگر در این باب مذاکره نکنند اما در این موضوع علاوه بر آنکه سوخته که معمول است و در اینجا منحصر شده است بدولت شیره که از سوخته تریاک گرفته می شود که الان هم در اینجا خوانده شده است باز سوخته دارد و همین طور الی قیرالنهایه از قرار هر سری ۱۲ مثقال شیره اورا میکنند همیشه اسس این است پس یک فیدی از برای آنها باید کرد این را در اینجا با این قیمتیکه تعدید تریاک را معمول می دارند نوشته اند در این باب اگر توضیحی دارند بفرمایند والا بنده پیشنهاد میکنم که هم سوخته تریاک انحصار بدولت داشته باشد که هم سوخته که از آن سوخته اولی و ما سرش حاصل می شود منحصر آوا گذار بدولت باشد و اینجا هیچ لفظی از برای قیمت عادلانه نوشته نشده در ماده های دیگر هر جا که قیمت عادلانه نوشته اند کفایت می کند بنده قیمت عادلانه را هم در این مسئله پیشنهاد می کنم و همچنین این دو لفظ یکی شیره سوخته تریاک را و یکی سوخته آنرا تا هر اندازه که باشد انحصار بدولت کرده ام.

حاجی سید حسن مدرس قمشه - اولاً عرض می خواهم که صحبت داشتن بنده قدری زود است بواسطه اینکه عائل تا بصیرت پیدا نکند سزوار نیست که صحبت بکنند لیکن آن ضرورت تبیح الحظوظات فرمایشاتی که فرمودند بخصوص آقای وکیل التجار و این چند جلسه هم بنده تجربه کردم که هر مطلبی که وزیر مالیه متعلق فرضان است آخر همان می شود خصوصاً اگر مؤید بفرمایشات مغبّر شد الا این که مبنای این مسئله خراب است بواسطه این که عنوان مضر است یک دهنه می خواهند مالیات به بنده مسئله نیست بگویند آن قدر باید بدید یا هر کسی سوخته دارد همه اش را بدهد یک دهنه بواسطه رقم فساد حکمی می خواهید بگردید و واقفاً رفع فساد بشود این مبنای داد بقیته اینهایی که امثالی شرعند تجویز خواهند کرد که این که در این عنوان مجلس منصف شد در اصفهان قبل از این که گفتگو در اینجا هم بشود بجهت مصارف نظمی و بنا بر این شریعه همین مطلب را تصویب کردند اما روی عنوان مضر عنوان مضر روی تریاک نیست تریاک مالیده بجهت کشیدن این عنوان مضر است مضر هم شخص نیست بواسطه اینکه خیلی از اشخاص تریاک میکشند و بزاج آنها سازگار است نوعی است مسئله نوعی رافع می خواهد بعضی فرمودند ظاهراً من درست نفهمیدم چه وزیر داخله جریمه بگیرند این رافع مضر نوعی نیست بواسطه اینکه من بیچاره تریاک میکشم بزاج

فهم الملک - در مطالب پرریوز آقایان فرمودند که وقتیکه آقای حاج دکتر رضاخان فرمودند مالیده فید شود اول بنده عرض کردم که ضرورت دارد لفظ مالیده را بنویسید شما می فرمائید مغبّر گفته است بنویسند بعداً رأی گرفته شد و همینطور که می فرمایند درش بعداً مکرر شده گفتند که اینجا مالیده را فید کنیم از آن شیره مالیده نمی شود چیزی گرفت آنرا حکماً باید بدید و نمالند نمیشود از آن چیزی بگیرند چون محل استعمالش خیلی کم است بعداً باید بیرند بالند تا از آن بتوان مالیات گرفت این یک بنده ردمی کنم تجاری که مدله می کنند در خرید

ضرر احتمالی است در حقیقت مالیات را از تریاک مالیده می گیریم نه از شیره آنوقت از هر مقدار تریاک ممکن است بیش از سیصد دینار گرفت چون معمولاً اصطلاح تجاری آنرا هم شیره می گویند تریاک هم می گویند بعد وزارت مالیه با آن تجاری که دارای شیره هستند و باید وزارت مالیه مواظب باشد وقتیکه آنها را تریاک کردند آنوقت مالیات بآن تمام می گیرد برریوز هم بنده اینجا عرض کردم که لفظ مالیده باشد بعضی از آقایان فرمودند که حکماً باید فقط تریاک باشد .

[در این موقع پیشنهادهای ذیل فرانت شد] [پیشنهاد حاج آقا] .

بنده پیشنهاد می کنم که ذیل این ماده اینطور نوشته شود - و هر مثقال شیره سوخته هر قدری برای دولت تمام شود از تاریخ وضع این قانون تا یک سال باشد سیصد دینار از سال دوم بعد هر ساله بهر مقدار یکصد دینار بر مالیات سال قبل افزوده می شود تا وقتیکه مالیات در هر مثقالی سی شاهی برسد - (پیشنهاد آقای وکیل التجار) .

بنده پیشنهاد می کنم که سوخته را هم مل تریاک و بهمان ترتیب که از طرف کمیسیون تصویب شده مالیات بگذرانند فقط انحصار این موقوف کشته دولت همان مالیات خود را گرفته در خرید و فروش آن مدخله نمایند [پیشنهاد شاهزاده لسان الحکماء] .

این بنده پیشنهاد می کنم که چون ماده دوم دارای دو مطلب جدا است تجزیه شود و این قسم اصلاح شود .

ماده دوم - خرید سوخته تریاک و فروش شیره آن مخصوص و منحصر بدولت است .

ماده سوم - در هر مثال شیره سوخته تریاک علاوه بر قیمت که برای دولت تمام شده است مبلغ سیصد دینار اضافه بفروش .

(پیشنهاد معبد هاشم میرزا) بنده پیشنهاد می کنم که افزوده شود سوخته تریاک و سوخته شیره سوخته را دولت قیمت عادلانه خریداری نموده تا آخر .

دکتر علیخان - بنده باک فرمایشی اولاً کردند که لازم می دانم رد کنم فرمودند تریاک به مزاج می سازد این حرفی است که هیچکس نباید بگوید و هیچکس نباید بشنود تریاک از برای تمام اشخاص حتی از برای اشخاصیکه چند روزی بآنها می سازد و جاق می روند مضر است کلبتا ضرر شخصی نوعی و مملکتی همه چیز دارد ثانیاً اینکه همین طوری که آقای حاج شیخ الرئیس اظهارات خیلی صحیح فرمودند واقفاً بنده هم اینجا برای دولت خیلی ناز را می دانم که کار خیلی غلطی است اگر چه نظر صحیحی هم در باطن داشته باشد ولی اینکه تصدیق این شود که سوخته تریاک بسازد و بفروشد هر چه هم بخواهد این را بفرمایند که فرض صحیحی دارم این اسباب این می شود که می گویند دولت این امر روز الحکماء می خواهد کار بکنند این یکی از اقدامات دولت است که شیره فروشی باز کرده باید قذفن کرد و همان اندازه که در تریاک رأی دادیم کافی است و آن اظهار را هم که آقای کاشف فرمودند این را هم بنده ردمی کنم تجاری که مدله می کنند در خرید

فهم الملک - در صورتی که نقطه نظر دولت ضبط و فنا کردن سوخته باشد بنده موافق با آقای دکتر علیخان ولی چون می دانم مقصود این نیست پس بکلی مخالفم رد می کنم با اینکه کلبتا هیچ قانونی در هیچ جائی وضع نمی شود تا آن قانون منتشر نشود و شاهام در کلیه قوانین یک چیزی که به نظر تان مضر می آید بنده حرف ندارم که مضر است ولی در کلیه قوانین باید مسوق باشند.

شیبالی - بعد از فرمایشات آقایان

و فروش سوخته هر قدر هم بآنها ضرر وارد بیايد بنده جایز می دانم و خیلی ضررهای صحیح است و خوب است که از این تجارت چشم پوشند عقیده بنده این است که سوخته تریاک را دولت باید بکلی ضبط کند و منظور که رأی دادند که روده را ضبط کند و کسی حرفی نزد چرا رأی نمی دهند دولت سوخته را بکلی ضبط کند و اشخاصی که استعمال سوخته و شیره میکنند در کمال خوبی میتوانند آنرا مبدل کنند بتریاک تا آنکه نبرند و کم کم عادت خواهند کرد تا اینکه آنها را که زنده هستند عادت بکنند و اسباب این بشود که رفته رفته ترک شود دولت تکلیفش این است که اعلان بکنند که بکلی منع استعمال سوخته و شیره ممنوع است بعد هم چه میکنند در اینکه حتماً هر کسی در هر جا سوخته دارد آنها را بگیرند و ضبط بکنند و اینکار از نظر خیلی مشکل بیاید گمان می کنم در باطن خیلی مشکل نیست بجهت اینکه آنها را که تریاک میخرند معلوم و آنها را هم که می فروشند معلوم است و این هم همین است از روی حساب که هر قدر که تریاک چقدر سوخته دارد آنوقت هر قدری که باشناس که تریاک می فروشند دادند مجبور بکنند و سوخته اش را رد بکنند هر کاری اولش مشکل است ولی اینکار بنظر من خیلی سهولت است که سوخته تریاک را بخرند و بشیره بکشند بفروشند باشخصی که میخواهند بخواهند چراغ بگذارند و بکشند .

حاج امام جمعه - از این مذاکراتی که شد بگذردی سوء تفاهمی شده است شیره تریاک منفعتی که از آن حاصل می شود همان کشیدنش است اگر همه اطباء متفق بشوند که همه مضر است آنوقت همان طوریکه آقای دکتر گفت کشیدن آنها هم حرام میشود چون حرام شدن کشیدن با حرام شدن تریاک تفاوت ندارد چون تریاک هم اگر کشیدنش موقوف و حرام باشد بعضی منافع معلوله دیگر دارد از این جهت خرید و فروش آن حلال است اما این سوخته منفعت آن منحصر است بکشیدن اگر کشیدنش بطوریکه اطباء میگویند مضر است آنوقت دیگر خرید و فروش این حرام است جایز نیست من هم میگویم همانطوریکه اظهار کردند اینجا که حرام دارد اولاً چیزیکه مسالبت دارد از دست مردم گرفتن و منحصر کردن این صحیح نیست نمی شود یک چنین کاری کرد و اگر مالیات این محتمل است و ضرر این متیقن است که همین طور گفتند خوب است آنوقت کلبتا ضبط کنند و تلفش بکنند نه اینکه شیره بکشند و بفروشند در اینجا یک قدری سوء تفاهمی شده است.

کاشف - در صورتی که نقطه نظر دولت ضبط و فنا کردن سوخته باشد بنده موافق با آقای دکتر علیخان ولی چون می دانم مقصود این نیست پس بکلی مخالفم رد می کنم با اینکه کلبتا هیچ قانونی در هیچ جائی وضع نمی شود تا آن قانون منتشر نشود و شاهام در کلیه قوانین یک چیزی که به نظر تان مضر می آید بنده حرف ندارم که مضر است ولی در کلیه قوانین باید مسوق باشند.

شیبالی - بعد از فرمایشات آقایان

بنده هیچ مقضی نمی بینم که عرض کنم ولی همین قدر می خواهم عرض کنم که حالا که بنا هست انحصار بدولت پیدا کنند گمان می کنم که هیچوقت دخل این مطابقت نخواهد کرد با عرضش پس مجلس هم تقریباً این مطلب را رد کرده است حالاً رد کرده اند یا نکرده اند بنده بعد از فرمایش آقای دکتر هلی خان عرض نمی کنم ولی همینطور که فرمودند خرید و فروش اینهم تقریباً حرام می شود پس باید یک مدتی راهبالت گذاشت از برای کسانی که عادتاً گرفتار و مبتلا هستند یک اعلان عمومی داد که تا فلان مدت راهبالت دارند که هم بتجارت سکنه نرسد و هم آن اشخاص که بر تریاک متاد هستند به یک چیز دیگری خودشان را عادت بدهند و حکم کنند که آنوقت که دولت قذفن کرد شیره را بکلی ضبط کند و بکلی قذفن بکنند که هیچ شیره میکشند در مملکت در این مدت یک فکری برای خودشان کرده باشند .

وزیر مالیه - بنده اولاً در اینجا باید یک اظهار شکایت مختصری کنم که چه در برای ملت چه و کلای ملت اینها بجهت خاطر خودشان حرف نمی زنند برای اصلاح نوعی اینجا یک حرفی می زنند و اگر مجلس یک رأی می دهد بجهت خاطر وزیر رأی نمی دهد بجهت اینکه اگر آقایان بخواهند رأی بدهند این دخلی بشخصیات ندارد که باین شکل حمله بشخص بشود اما حالا آمدیم سر مطلب بنده خود شخصاً نه نمایان میکنم و نه سیکار و نه تریاک و هیچ چیز دیگر و در صورت تریاک چه شیره تریاک چه مالیه تریاک سوخته تریاک چه سوخته سوخته باشد همین طور الی آخر هیچ شبهه ندارم همه جور شدت و مضر است و تکلیف هیئت دولت در هر مملکتی اینست که جلوگیری بکنند از هر چیزیکه مضر بنوع است بهر ترتیبی که ممکن است و باید همه اقسام اینرا یک کاری بکنند که در مملکت منسوخ شود ولی در اینجا وقتی که اهل یک مملکتی آلوده شدند آنوقت تکلیف اینست که جلوگیری از اینکار بکنند متدرجاً بنده عرض می کنم که تمام قذفن ها و این ترتیبی که اینجا ذکر می شود جلوگیری از این کار را نمی کند مگر گرفتن این چیز از دست مردم و تلف کردن و فانی کردن و یا اینکه یک فیدی روی آن گذاشتن که مردم قهرماً نتوانند به آنچه برسد غیر از این از برای بنده دیگر فکری نیست والا اگر بخواهم مردم را مجبور کنیم که هر کس ده مثقال تریاک بخواهد بخرد در مثقال سوخته پس بدهد بنده عرض میکنم که این اجرائی از محالات است مگر اینکه یک وجهی با بدهند نه اینکه بگویند سوخته این را پس بدهد و از نیارد پس بدهد والا مسلم است که تماس مفقود میشود .

فهم الملک - این ماده را خوب است یک کمیسیون رجوع بفرمائید که یک نظری در آن بشود تا نایب مجلس بیاید .

وکیل التجار - بله بنده هم از جمله اشخاص هستم که بعد از آنکه آن پیشنهاد قبول شد مراقب هستم یعنی گمان میکنم که انشاء الله قبول

شود و قبول آنرا خیلی نافع میدانم آنوقت مریض خودم را خواهم کرد که این توفیق و ممدوم بشود بسوزانند و بردارند و این را هم عرض می کنم کسانیکه سوخته میکشند وقتی که سوخته را ممدوم کردند می توانند آنرا میل بکنند و ضررش هم کمتر است و گویا آن بهتر باشد ولی کسانیکه اهل فن هستند میدانند که اینها را میشود تبدیل کرد ولی اگر غیر از این باشد همین طور که فرمودند بنده عرض میکنم که در اینجا یک ماده پیشنهاد شده است که دولت بفرود آنرا و مثالی سیصد دینار علاوه کند و بفرود اگر اینطور رای بدیم ما در مجلس شورای ملی می خواهیم یک قانونی وضع بکنیم و مردم را گول بزنیم و تکیه بشاند که دولت این را بسازد بمثالی سیصد دینار تفاوت ببرد بدهد این چه جلو گیری است از آن کسانیکه آنرا می کشند نهایت آن کسیکه می کشد امروز سه شاهی میدهد فردا سیصد دینار خواهد داد والا اگر بگوئیم که دولت یک مقداری از این را ممدوم میکند ما یک رای محرمانه در مجلس نمی توانیم بدهیم که باطناً یک چیز دیگر باشد فقط این خریدن از محضراً و او را ساختن و درست کردن و آنوقت معلومی برای دولت معین کردن که بفرود هیچ صحیح نیست و انحصارش هم همین طور بکند فرمودند نری ندارد و هیچ فایده ندارد خواهد شد اینست که استفاده بکنیم از این مسئله دفاع نشود و فقط با همان ترتیب تریاک عمل شود یا اگر قبول شد به بکلی توفیق و ممدوم صرف شود بنده آن هم را هم.

نایب رئیس - دوماً پیشنهادی در این باب شده است فراموش نشود [پیشنهاد آقای دکتر علی خان بهمنون ذیل قرائت گردید]

بنده پیشنهاد می کنم که از آنجا تکیه استعمال سوخته و شیره تریاک با توافق کاپه اطباء عالم مضر بشخص و نسل و نوع است و هیچ استعمال جز برای کشیدن ندارد دولت استعمال آنرا شش ماه بعد از نشر این قانون بکلی قذف کرده که سوخته تریاک را در هر جا که باشد ضبط نماید - پیشنهاد حاج سید ابراهیم بنده پیشنهاد میکنم که ماده اینطور نوشته شود که پس از تاریخ وضع این قانون کلیه سوخته تریاک ضبط دولت خواهد شد.

پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم می - بنده پیشنهاد میکنم که تا یک سال از هر یک متقال سوخته تریاک دهشاهی مایات بگیرند و بعد از یک سال بکلی کشیدن سوخته تریاک را قذف نمایند که در ظرف یک سال ترک این سم را نمایند.

نایب رئیس - ده دقیقه نفس است [بمه از نفس مجدداً جلسه تشکیل شد]

نایب رئیس - بر حسب تقاضای مخبر محترم کمیسیون قوانین مالیه این ماده بایشتهاد هائی که در آن خصوص شده بود بکمیسیون قوانین مالیه رجوع شد.

دکتر علیخان - ارجاع بکمیسیون در

صورتی است که اشکالی داشته باشد و تکیه اشکالی نیست برای چه ارجاع بکمیسیون بشود در آن پیشنهاد هائی که شده است چرا رای نمی گیرند و می گذارند ۳ چهار روز بگذرد و برای نمایندگان نردیدی در این خصوص پیدا بشود مثل این که در خصوص پیشنهاد بنده قبل از آنکه متنس دادید حاضر بودند که رای بدهند بعد از آنکه متنس دادید و الان همه رای هایشان منحرف شده است و حالا بنده اجازه می خواهم که در خصوص پیشنهاد خودم مرضی بکنم.

نایب رئیس - بر حسب نظامنامه داخلی مخبر کمیسیون همیشه حق دارد که بخواهد مواد پیشنهاد هائی که در آن خصوص شده است بکمیسیون رجوع شود.

فهییم الملک - بنده این تقاضائی که کردم معلوم شد که اکثریت مجلس بر این بود که در این خصوص مذاکره بشود حالا در صورتی که آقایان میل داشته باشند که در این باب مذاکره بکنند بنده مانع نیستم مختارند.

دکتر علیخان - در این خصوص بعضی آقایان هستند که اشکالاتی نمی دانم بچه جهت وارد می آورند و حال این که بنده هیچ اشکالی در این

نمی بینم این بدیهی است که هر کاری را که انسان می خواهد اقدام بکند در ابتدا یک ندری اشکالات خواهد داشت ولی همین که اقدام شد بتدریج رفع می شود بنده هیچ تصور نمی کنم که نمایندگان محترم که این جا حاضرند و هر کدام صاحب وجدان هستند یک روز وقت مجلس را صرف این بکنند که دولت سوخته تریاک را بفرود و شیره کند و بنده ببردم که بکشند این که سوخته بفرود بندند نمی شود جمع کرد بنده عرض می کنم اولاً تکلیف دولت نیست که یک چیز را که مضر است بشخص با انسانیت و بالاخره بعه چیز آنرا درست بکنند و بفرود بلکه تکلیف دولت این است که بهر تدبیری که می داند قمع نماید حالا اجرای مشکل است و از پیش نمی رود دولت ادای وظیفه خود را کرده است و مجلس هم تکلیف خود را عمل کرده است باین که قذف کرده است که استعمال نکنند ثانیاً این که می فرمایند که نمی شود قذف کردن که استعمال نشود بنده عرض می کنم که می شود در کمال خوبی اولاً

باید برای این مسئله ۶ ماه مدت قرارداد و بعد از شش ماه قذف نماید تا با دولت باید اعلان بکنند بآنها می که تریاک می فرورشد که سوخته تریاک را از آنها بانی که تریاک از ایشان می خردند مطالبه نمایند و همین طور که عرض کردم برای هر متقال تریاک می ممکن است معین کرد که چقدر سوخته دارد برای این که یک عده هستند که تریاک خواهند فروخت و یک عده هستند که می خردند و این اشخاص یک عده فقرا هستند و یک عده اغنیاء و لابد برای هر مدنی که تریاک می خردند باید آن مدت باز محتاج تریاک خواهد بود و می خردند که سوخته تریاک را که خردند است بیاورد بدهد برای اینکه عرض کردم که محتاج است و باید بفرود استعمال کند تا نهایتاً بکنم می فرمایند

و از آنجا بگریزیم چون آقای دکتر علیخان فرنگ تشریف

داشته اند و از داخله مملکت خودشان که امر حق اطلاع ندارند از اینجهت اینکار بنظرشان خیلی آسان می آید که می فرمایند بیک مرتبه باید اجرا شود و بنده عرض میکنم اینکار را باید متدرجاً اقدام کرد و بتدریج این سم مهلك را از این مملکت برداشت و بدیخته در این مملکت اغلب فقرا مبتلا باینکار هستند و از برای جلو گیری آنها هم هیچ علاجی بهتر از گران کردن او نیست از اینجهت بنده عقیده ام این است اینکه دولت سالی مثالی یک صد دینار اضافه بکند که است سالی دهشاهی زیاد بکند تا برسد پنج قران تا آن بیچاره ها سال بسال کم بکنند و داشته باشد بخرد و ترک کند و از برای برداشتن این کویا او علاجی که اطباء بزرگ دنیا گفته اند کم کردن است و ممکن است که شما بگرانی و زیادی قیمت آنها را با بدارید که رفته رفته کم بکنند تا اینکه بکلی ترک نمایند بنده عرض میکنم دولت خودش منحصر بخواهد اینکار را اداره بکند لابد غرضشان از دو سه کار خارج نیست یا عرض نصح دولت است اینست بنده عرض می کنم در ملاحظه بفرمایید بنده پیشنهاد دولت را در مورد این کار عرض می کنم و در مورد این کار عرض میکنم که در این مملکت دولت باید اینکار را بخواهد داشت تا غلبه آن رعیت مصارف و مواجب آنها را نمی کشند و در حفظ اصلاحه است محض اصلاحه باین نیست که بخرد و بفرورشد و شاید در بعضی نقاط ایران بجاری باشد که در حرور سوخته خریه است برای حمل بیچاره یا بر روی دایحه یک دانه چسور می رود سرمایه او را می خردند و می سوزانند که ما همین فرار فرود است بر اینست این سم را همه از این مملکت برداریم بنده عرض می کنم که اگر شما بخواهید دولت خودش منحصر اینکار را اداره بکند این بسیار است که نمی توانیم برای دولت بخوریم دولت بیشتر هم ندارد در بخورید که دوماً سوخته را بگیرد و بسوزاند که اهمیت مرتبه باید ارتش را در قمع چشم ببینید و ممکن هم نیست بنده عرض می کنم که تریاک را شما می خواهید بکویید که مقالی سیصد دینار در دارد بنده و اگر بسازد چشمش زور شود نکند در اینجا هم بنده عرض می کنم سیصد دینار را اگر در عباسی بکشد بنده شاهی بکنید و هر چه میتواند بر قیمتش بیفزاید تا بواسطه گرانی و زیادی قیمت کسانی که مبتلا هستند باینکار مجبور شوند که بتدریج کم کنند تا اینکه بکلی ترک نمایند و استعمال نکنند والا این فریشتانیکه آقای دکتر علی خان می فرمایند از برای تصور خیلی خوب است ولی

از برای از قوه بغل آوردن بنده آنها را جزء محالات می دانم.

آقای میرزا احمد - بنده کاملاً موافق هستم با راهورت کمیسیون ولی اگر ندری بر قیمتش اضافه شود عیبی ندارد ولی بعضی اوقات در مجلس بعضی مذاکرات می شود که بنده لازم می دانم که راجع بآن مذاکرات تکرار نشود حالا که آمدیم بجلو طق اگر چه عرایض مختصر است ولی خیلی حال اهمیت است و آن مطالبیکه گفته شد تا یک اندازه ناشی شد از عدم جلو گیری.

نایب رئیس مثل اینکه جناب کاشف در بین صحبتی

کردند راجع بنده که دیروز گذشت و نایب رئیس جلو گیری نکردند بنده که آقای آقا سید حسن مدرس تشریف آوردند نسبت به بعضی مذاکرات اظهارات کردند که نسبت به نمایندگان و نسبت بخود مجلس بر می خورد از این جهت بنده لازم می دانم که آنها را رد کنم اولاً باید بدانیم که اینجا دارالشورای ملی است جای شوخی و بعضی اظهارات نیست و کلای دارالشورای کمی حالا انتصابشان از روی هر میزانی شده است خیالات و آراءشان را نباید حمل به او و هوس کرد هر چه رای دادند مطاع و متبع است یعنی از روی هوا و هوس نیست و همان میزان اکثریت ملت است مگر در صورتی که موافقت نکنند با قوانین و موازین شرع و البته در آن موقع حق دارند اشخاصی که از قوانین شرع مسبقه و اطلاع دارند آراء خود را اظهار بدارند و الا بیانات و کلام همیشه متبع است و بنده هیچ نمی توانم بنشینم در یک مجلسی و بنشینم که نسبت بپارلمان و (لا اله الا الله) گفته بشود که آراءشان از روی هوس است و جدا این اظهار داین قبول را رد میکنم و دیگر یک فرمایش دیگر فرمودند که متعلق بود بیان اظهاری که آقای حسینی خان در موقع انتخاب عدها حسمه فرمودند و ایشان دوباره همان مضطرباً تجدید فرمودند و آن این بود که اطلاق نظر بر آقایان غلط است بلکه آقایان علماء حسمه پنج نفر از و فلا مجتهد و داخل در و ناله مجلس هستند و شنوات در جلسات و ناله تماماً را دارا هستند و در قانون اساسی هم نسبت با آنها لفظ نظر که نوشته شده است و نباید به مدار این خودشان را بلفظ نظر معرفی نمایند این مصیبتی بود که بنده لازم می دانم عرض کنم در اجسادت هم شد خواهند بخشید چرخه وظیفه ام ایضا بگذرد که این منصب را بگویم.

کاشف اینجانب تشریحی آقای میرزا احمد بنده فرمودند تصدیق میکنم لکن مصدوم بنده این بود که حواسم خودم بفهمم که این رأیسی که مانده در چه بود و ربطی بامر آقای میرزا احمد نیست که این اعتراض را فرمودند.

مقرن الملک - گویا ماده ۷۹ مجلس را مجبور میکنم که وقتی که مخبر کمیسیون تقاضا کرد که یک ماده بکمیسیون رجوع شود آمده بر گردد بکمیسیون پس باید بموجب اینکه مجبر کمیسیون تقاضا کردند که این ماده بکمیسیون رجوع شود این ماده بایشتهادها بکمیسیون رجوع شود (بنده ضمه ماده ۷۹ خوانده شود).

معاضد الملک - ماده ۷۹ - هر اصلاح یا ماده انعاقیه که در ضمن مباحثات اظهار باید دلایل آن بطور اختصار بیان شود و در صورتی که وزیر یا مخبر کمیسیون تقاضا نماید باید آن اصلاح یا ماده انعاقیه بکمیسیون رجوع شود - هر گاه ارجاع به کمیسیون تقاضا نشود در باب قبول توجه از مجلس رأی خواسته میشود - مجلس پس از استماع اظهارات مخبر کمیسیون در این باب رای میدهد اصلاح یا ماده انعاقیه دو صورت قبول به کمیسیون ارجاع می شود.

فهییم الملک - متصورم آقایان از این اظهارات

این بود که مذاکراتی که بر خلاف مذاکرات نشان شده است در اینجا مذاکره بفرمایند و حالا که اظهارات خودشان را فرمودند آن پیشنهاد ها را با آن ماده رجوع کنید بکمیسیون که تجدید نظری در آن شده ثانیاً بجلس پیشنهاد شود.

نایب رئیس - پس این ماده بایشتهاد رجوع می شود بکمیسیون.

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم که ماده دوازدهم نظامنامه داخلی بر ما واجب بکنند که در ۱۶ جلدی شعبات را تجدید بکنیم و تا امروز که انتخاب نکرده ایم عفت و نقص این قانون را کرده ایم و آن وقت خیلی غریب است که بعضی از آقایان تقاضا می کنند که راپورت شعبات را بجلس بفرستند در صورتیکه شعبات از ۱۶ روز مدتشان منقضی شده و راپورتشان از آن تاریخ از درجه اعتبار ساقط است از این جهت بنده تصور میکنم که امروز باید اساسی نمایندگان را بیارید و شروع بتجدید شعبات بکنید تا اینکه شعبات منعقد شده اعتبار نامه ها رسیده بکنند و راپورت بدهند ماده ۱۲ نظامنامه داخلی شبیهه که بر طبق ماده ۳ تشکیل یافته در ۳ ماه سه ماه بطور فرعه تجدید می شوند مقصود عمده ارتشکیل این شعبات آنست که هر وقت مطلب یا لایحه یا طرح قانونی پیشنهاد مجلس می شود رجوع بشعبات بکنند که در آنجا بملاحضه و مذاکره شود و اگر تشکیل کمیسیونی لازم آید هر یک از شعبات پس از مذاکرات و مباحثات موافق عده که مجلس معین کرده است برای عضویت کمیسیون انتخاب کنند و علاوه چون شبیهه ام که پس از آقایان یک هیئتهای زوده اند نه شعبات ۱۶ بشش مانع تجدید شود خواستم عرض کنم این قانون هور نگذشته است ما باید این انتخاب را بدیم به هر وقت که این پیشنهاد بجلس آمد و بکمیسیون مبعثرات رفت و قبایل توجه شد و کمیسیون آمد و مجلس با اکثریت تصویب کرد جزء نظامنامه داخلی می شود و همان ترتیب رفتار خواهد شد حال ولو این که پیشنهاد کرده باشند که یک سال یک سال تجدید بشود ربطی بنظامنامه داخلی ندارد و باید امروز شروع کنیم به معین کردن شعبات تا اینکه چرخهای شعبات برآم بمانند و اعتبار نامه و الا را رسیده لی و راپورت بمانند.

نایب رئیس - بنده توضیحاً عرض میکنم که اولاً انتخاب شعبات در جزء دستور هست همان طوریکه شاهزاده اظهار کردند و علاوه یادآوری میکنم که همان نظامنامه داخلی که این ماده دراز است مجبور میکنم هیئت رئیسه را که مراعات نظامنامه داخلی و نظم و دستور مجلس را در تمام مقامات بکنند و دستور امروز یک ترتیبی معین شده است که بهمان ترتیب باید بگذرد پس رئیس ایداختن دستور بموجب همان نظامنامه داخلی مغل نظم و منافی با نظامنامه است پس باید مراعات نظامنامه داخلی را بنمایند یعنی دستور مجلس را بهمان ترتیبیکه معین شده است اجرا بدهند.

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم که هیچ

نظامنامه این حق را بهیئت رئیسه نداده است که اگر در ۱۴ حمل فرضا باید شمیات تجدید شود و هیئت رئیسه را انتخاب نماید. ۱۶ روز آن را عقب بیندازند و بگویند که ایشا جزه دستور نوشته ایم ولی صبر بکنید که راهبررت کمیسیون پروگرام که خیلی مذاکرات دارد خوانده شود و بگذرد بمقانون دیوان معاسیات که ۲ ماه طول دارد بگذرد تا اینکه بعد از ۳ ماه ۱۴ و ۱۵ برج بعد هیئت رئیسه انتخاب بشود از این جهت بنده عرض میکنم که هیئت رئیسه این حق تعبیر نظامنامه را نماند و چهاردهم هر برجی که نظامنامه معین کرده است باید حتماً شمیات تجدید شود و نمی توانند از این برج بجز دیگری بیندازند و از روز ۱۴ جدی تا امروز که ۱۶ روز گذشته است نقض این قانون را کرده اند که شمیات را انتخاب ننموده اند و خواهش منم که در این خصوص سوء استفاده نفرماید و شروع کنند بتجدید شمیات که رسیدگی باعتبار نامه ها شده تکلیف آنها معین شود و مقید باین نباشند که میل هیئت رئیسه چنین اقتضا فرموده است که این را آخر جزه دستور مجلسی قرار داده اند و باید ۲ ساعت در یک ماده سوخته تریاک مذاکره بکنند.

نایب رئیس - بنده مایل نیستم که با

ند بنده محترم در این باب مشاجره نمایم ولی مجبورم عرض کنم که مطلبی را که در آن مذاکره میکنیم می توانیم بکنیم و شروع بنصب دیگر کنیم. **ادیب التجار -** چون بعضی از فرمایشات حضرت والا راجع باشخاصی بوده که از نرسیدن اعتبارنامه ها شکوه کرده بودند و بنده این شکوه را کرده بودم که چرا این اعتبارنامه ها به مجلس نمی آید و هم مشاکره ام آن پیشنهادی را که شمیات ۶ ماه به ۶ ماه تجدید شود وجهش هم این بود که در روزنامه ها نوشته و ما را استهزا و تخطئه کردند که عوض اینکه نمایندگان ما قانون بنویسند و بکارهای مملکت بر سرش روز نگاه میکنیم میبینیم که شمیات تجدید میکنند باین ملاحظه بود که بنده هم آن پیشنهاد را امضا کردم و از این گذشته عرض میکنم که مذاکره در قانون و گذراندن آن خیلی بهتر است از اینکه هر روز شمیات را تجدید کنیم و کمیسیون انتخاب بکنیم [رایوررت کمیسیون بودجه راجع باعزام بیست نفر معصیان بمبارت ذیل فرائت شد کمیسیون روز چهارشنبه شانزده معزم دوساعت و ربع بظهورمانه برآست آقای میرزا مرتضی قلیخان منتقد کردید پیشنهاد وزارت تجلیه معارف در خصوص تصویب ده هزار تومان برای اعزام بیست نفر شاگردان از شاگردانیکه تاکنون در مدارس تهران از قبیل دارالفنون و سیاسی وغیره تحصیل نموده اند برای تکمیل تحصیلات خود در شعبه مختلفه علوم بااروپا فرائت گردید.]

کمیسیون بودجه برای نوسه معارف که ماه کلبه سعادت است با اکثریت رأی داد که این مبلغ اعتبار بوزارت معارف برای اعزام ۲۰ نفر شاگردان داده شود مشروط به اینکه اولاً شاگردان از قریب

معصیانی که خود قادر بمسافرت اروپا نیستند یا ولی که قدرت اعزام آنها را داشته باشند ندارند انتخاب شوند و ثانیاً اعزام آنها بمظارت کمیسیون معارف باشد که هم در انتخاب آنها وهم در علومیکه باید تحصیل نمایند نظر کامل داشته باشد که شاگردان محصل هوشیار انتخاب شده بر گرام تحصیلات آنها هم در علومیکه برای آتی مملکت نافع و الزام است معین شود. **معز الملک -** بنده اساساً با این پیشنهاد که شده است کمال موافقت را دارم و البته خیلی لازم است که یک وجهی داده شود و یک عده معصیان فرستاده شده ولی اینجا دوفتور داشتیم که مجبورم عرض کنم اینجا این شاگردانیکه نوشته شده است یا هیچ معین نشده است از برای چه و در چه خط تحصیل خواهند کرد و بنده که نظر میکنم می بینم که ما در هر يك از شب مملکت یکمده اشخاص بصیر با اطلاع داریم ولی بهیشتانه در يك رشته مملکت که میتوان گفت احساس زندگی مملکت بسته باوست و اساس تمام چیزهای مملکت است و اسباب ترقی ملل عالم شده است هیچ درصدد نیستیم که آنرا ترقی بدهیم و آن شب هم البته محتاج بکفایت است و همه میدانید که آن شب نظام است علی الخصوص که برای سایر شعبه بکفایت مستخدمینی خواسته شده است و همینطور اشخاص دیگری هم داریم در اینجا ولی چون طوری شده است که ایرانیها بیکه در خارج بودند اغلب تحصیلات خودشان را در راه دیگر کرده اند و در نظام کمتر تحصیل کرده اند باین جهت بنده تصور میکنم که سایر ادارات را میشود اداره کرد و بقیه شخص بنده اگر تمام این بیست نفر شاگردان ولی اقلاً ده نفر از آنها را وزارت معارف مقیم بکنند که تحصیلات خودشان را در حفظ نظام بکنند که ما می گفتم بهتر باشد برای اینکه هیچکس نمیتواند منکر بشود که نظام زنده کننده ملت است زیرا که حیات مملکت بسته بنظام است و بواسطه نظام هر امر حق و مشروعی را بشود از پیش برد این یکی دیگر این که اینجا اینطوری که نوشته شده است فقط مفهومش این است که فقط یک بیست نفر شاگردان بفرستند آنجا و اگر بعد از آنجا کاسته شود دیگر عوض آنها فرستاده نخواهد شد ولی من تصور میکنم که اگر اینطور قرار گذاشته شود که همیشه ۲۰ نفر شاگرد در آنجا باشد یعنی این يك کادری باشد که دولت همیشه يك بولی بدهد و يك ۲۰ نفر شاگرد و محصل در آنجا داشته باشد اعم از این که این شاگردانی که از حالا میروند بتوانند از عهده تحصیلات خودشان بر آید و با این که بجهت دیگری مراجعت نمایند و هر وقت که يك عده از آنها کاسته شود عرض آنها از اینجا فرستاده شود ولی مشروط بر این که يك مقدار از این شاگردان چنانچه عرض کردم تحصیلاتشان منحصر بعلوم نظام باشد.

معاون وزارت معارف - در این پیشنهادی که

شده است معلوم است که نکات و دقائق آن پیشنهاد شده است مقصود از این پیشنهاد فقط اینست که ده هزار تومان اعتبار داده شود بوزارت معارف برای فرستادن شاگردانی بخارج و هیئت منظره که تصویب شد آنوقت نکات و دقائق البته در يك لایحه پیشنهاد میشود که مطلع باشند که بجهت ترتیب این پول داده خواهد شد و بجهت ترتیب خرج خواهد شد و این نکته را هم آقای

معز الملک فرمودند در واقع وزارت علوم تا این صامت بر این نبود و علاوه بر این خود وزارت جنگ در بودجه خودش منظور کرده است که يك عده شاگردهای نظامی بفرستند که ما می گفتم که همان تصویبی شده است صحیح تر باشد که از همان رشته که وزارت جنگ است و از بودجه خود وزارت جنگ معصیان نظامی فرستاده شود و عهده نظر وزارت معارف می دانید در این پیشنهادی که کرده است این بود که يك قسمت بیشتر این عده را برای علمی بفرستند که می دانید مدارس ما امروزه معنی ندارد باین واسطه خواسته اند که از این راه يك عده معلمینی برای آتی تهیه کرده باشند و اگر بخواهیم برای این کار معلمین از خارج بیآوریم طوری است که درست نمی توانند در اینجا تدریس بکنند و انگهی قیمتش برای ما خیلی گران تمام می شود و همینطور معایب دیگر دارد در صورتی که اگر از جوانهای خودمان برونند آنجا و تحصیلاتی را که لازم است بشناسند و بعد خود آن ها در مدرسه دارالفنون که تأسیس می شود ممکن است معلمینی تکمیل کنند و آنها در همه جای مملکت پراکنده شوند پس نظر همه این است که يك قسمت بیشتر از این معصیان برونند در آنجا و فقط در علم را یاد بگیرند و عده هم برای تعلیم صنایعی که در اینجا متروک است از قبیل علم معماری و مهندسی و مکانیک و حالا این پیشنهاد هم منظور که عرض شد فقط راجع باعتبار خرج آنها است بعد که این تصویب شد نکات و دقائق آن بنا ترتیب صحیح و شرایط تحصیل آنها لابد پیشنهاد خواهد شد ولی فرستادن این عده بیشتر برای این است که معلمین تربیت بشوند و بکار بخورند و ضمناً هم از برای ترویج سایر علموی که در اینجا متروک است.

حاج سید ابراهیم - بنده موافقم با آقای

معز الملک در کمیسیون بودجه هم همین مذاکره شد و مخصوصاً همین ملاحظه بکمیسیون معارف درجوع شد که در آنجا پروگرام همین این چند نفر را تعیین بکنند و این بکارت رعایت کنند و همینطوری که اظهار شد اگر تخصص داده شود که اقلاً بعضی از آنها برای علم نظام معین بشوند و این را هم که آقای معاون اظهار کردند که در هر وزارت خانه ۲۰ نفر را با هم خارج منظور داریم اینقسم امروزه برای ما ممکن نیست ما امروز باید ملاحظه الامم فلاحه را بکنیم و بهیچیکه که اهم امور امروز چه چیز است واضح است که اهم امور امروز امر نظام است و آقایانی که این اظهار را کردند بنده تصدیق میکنم ایشانرا که امروز اهم امور برای ما نظام است برای اینکه اگر نظام نداشته نداشته باشیم و يك حصار دور خودمان نکنیم از هیچ چیز محفوظ نخواهیم بود و این پیشنهادی که شده است که ده نفر از آنها برای نظام معین بشود و ده نفر دیگر برای معارف و تربیت معلمین برای مدارس اگر بنامشود که ما این را تصویب کنیم و این ادا زمام نظام همراهی نکنیم و اقامت باید از آنها است و زراعه و خودمان بکلی ما بوس باشیم که ۲۰ نفر را بفرستیم باید تمام آنها را برای نظام معین کنیم و حالاً که بجهت دیگر نمی توانیم تمام آنها را برای اینکار بفرستیم اقلاً باید ده نفر را که برای نظام معین بکنیم و ده نفر

دیگر برای معارف و سایر چیزها که صلاح دانسته اند معین شود (دو نفر بهیشتان بمبارت ذیل فرائت شد).
(۱) از طرف آقای حاج سید ابراهیم - این بنده پیشنهاد می کنم که ده نفر از ۲۰ نفر که برای تحصیل بااروپا میروند تخصیص داده شود باشخاصی که مایل تحصیل نظام هستند که این ده نفر در اروپا تحصیل علوم نظام نمایند.
(۲) از طرف آقای معز الملک - (۱) پیشنهاد میکنم از ۲۰ نفر شاگردهایی که بفرستاده می شوند در شعبه نظام تحصیل بکنند (۲) عده ۲۰ نفر معصیان هم شمه تمام بوده اگر کسری در شاگردان پیدا شود عوض آن فرستاده شود.

افتخار الواعظین - بنده اولاً خیال میکنم

که اگر چنانچه مسالی ده هزار تومان و در چهار سال چهل و پنج هزار تومان بدهیم و ۲۰ نفر شاگرد را بفرستیم بااروپا تا اینکه تحصیل بکنند و بیایند با آنکه همان پنجاه هزار تومان خودمان درمستحقا يك مدرسه تأسیس بکنیم که بتوانیم دویست نفر شاگرد را در اینجا تربیت بکنیم بهتر باشد ولی بيك ملاحظه می بینم که آنطوری که لازم است و مقصود ما است نتیجه بدست نمی آید و آن اینست که این اشخاصی که باید برونند فقط از برای تحصیل علمی نیست بلکه عملیات راهم باید در ضمن تحصیل یاد بگیرند و تحصیل بکنند و از این جهت ناچاریم که آنها را اعزام بااروپا بکنیم و بنده اصلاً موافقم با آقای معز الملک که از این ۲۰ نفر بلکه اگر وزارت علوم تصویب بکنند تمام این ۲۰ نفر را برای نظام معین بکنند و پروگرام تحصیلات آنها هم معین بکنید و علاوه بیک نفر راهم معین بکنند از برای نظارت در تحصیلات آنها که از مردمان صحیح عالم معین متدین باشد و خاطر آقایان را متذکر میکنم که خیلی بولهای مفت میدهم و اول بولی که محل صحیح می دهم همین بولی است و در سورتی که بدانند که آن بولی بمصارف تعلیم و معارف خواهد رسید تمام اهالی مملکت حتی فقرا و ضعیفا و بیروزهای این مملکت هم تحمل آن مالیات را خواهند کرد ولی شرط اینیکه بکنفر آدم امین متدین دلسوز مملکت که آن ۲۰ نفر را مثل اولاد خودش بدانند از اینجا بآن ۲۰ نفر اعزام بشود و در راپورت کمیسیون بنده فقط يك تقصیر بنده در آن می بینم که ناچارم متذکر شوم و آن اینست که ما ده هزار تومان را می دهیم و ۲۰ نفر شاگرد هم بهمان ترتیبی که در تحت نظر کمیسیون معارف باشد انتخاب میکنیم و اینها میروند بعضی اخلاق غیر حمت که خود از ویایها هم از آن منزجر هستند عوض تحصیلات آن اخلاق را تحصیل میکنند و برای ما بیآورند از این جهت بنده تصور میکنم که یکی از مردمان عالم وطن پرست صدیق همانطوری که عرض کردم در آن محلی که این اطفال میروند باید معین کرد برای نظارت در تحصیلات آنها و اینها تحصیلاتشان در تحت نظر اشخاص باشد که بنده مطمئن باشم که این ده هزار تومان را که میدهم دوره تحصیل صرف نمی شود و در راه مسافرت و تماشای نایب یا چیزهای دیگر و این آدم اینرا از اینجا یا از بین ما بوروبین دولتی که در آنجا است معین بکنند که بهمان معاد این همه زحمات و مخارج این ۲۰ نفر علوم و سعادت اروپائی را برای ماسوقات می آورند

بعضی اخلاق و عادات غیر حمت که خود آنها هم از آن منزجر هستند.
سلیمان میرزا - یکگسستی از فرمایشات خودشان را آقای افتخار الواعظین در آخر فرمایشات خودشان رد کردند یعنی گفتند که خوب بود این پنجاه هزار تومان را خودمان در اینجا یک مدرسه تأسیس بکنیم بعد خودشان متذکر شدند که اینها فقط برای تحصیل نمیروند بلکه تا اندازه عملیات راهم باید یاد بگیرند اما در قسمت دیگر که فرمودند خوب است بکنفر هم همراه آنها بفرستیم که مواظب باشد که آنها تحصیل بکنند و عوض تحصیل علوم اخلاق و ذیله را کسب نکنند چون نکته اش را ملتفت نشده اند بنده لازم میدانم عرض کنم که در اینجا اشتباه کرده اند برای اینکه اینها را می گذارند در مدارس رسمی وقتی که در آنجا مشغول تحصیل شدند دیگر باختیار خودشان نیست که شها بتأثر برونند خود اداره مدرسه مراقب خواهد بود و راپورت مدرسه را میفرستند و از آنجا مستقیماً بوزارت علوم خواهد رسید نمایندگان ملاحظه خواهند کرد و علاوه باینها راهم در بيك نقطه نخواهیم گذاشت بخصوص حالاً که در خصوص نظام معین ما کرمی شود که يك عده از اینها باید در خط نظام تحصیل کنند و باید هر کدام بنقله که در يك فنی کامل ترند فرستاد حالا فرض بفرمایید که امروز این ۲۰ نفر را بایک عالم وامین که اهرم قبول کرد فرستادیم وجود این شخص در آن محل بی مصرف خواهد ماند بجهت اینیکه هر کدام از آنها را بعد از ورود میرسد بيك مدرسه می سپارد و آنوقت آنها بترتیب مدرسه خودشان عمل میکنند و راپورت خودشان را می دهند بوزارت علوم که مطلع باشد و هر ترتیبی که سایر اطفال را تربیت میکنند آنها راهم تربیت خواهند کرد.

وکیل التجار - در مسئله معارف دیگر چیزی

نیست که بنده هم بیایم اینجا و يك شرحی عرض کنم و کسی هم نمی تواند منکر باشد و انکار داشته باشد ولی نمی دانم در این عقیده که می خواهم اظهار بکنم تنها باشم یا اینکه شريك داشته باشم بنده در کلیات این مسئله برای آقایان مخالف هستم عقیده شخصی بنده یعنی از وقتیکه باین آمده ام و يك مدتی هم در اینجا نبودم ام اینست که ماها می توانیم در ایران معلم بخواهیم و بیآوریم و اطفال ما را در اینجا بگذاریم تحصیل بکنند بجهت اینیکه بموجب تجربیات که تا امروز حاصل کرده ایم و هر کدام از آقایان که توانستند خلاف آنرا ثابت بکنند بفرمایند که همیشه شاگردهای ما اگر رسماً از طرف دولت فرستاده نشده اند اولیای اطفال همه ساله بخارج خودشان فرستاده اند يك عده را و رفته اند برای تحصیل و وقتیکه ما می خواهیم میزان تحصیل آنها را با بولی می بینیم که برای آوردن ده نفر یا پانزده نفر یا بیست نفر معلم صحیح وقتی صد هزار تومان خرج کنیم در آخر سال پانزده هزار تومان بیشتر ضرر نکرده ایم فقط يك مبلغی را که ذخیره میشود ضرر کرده ایم باقی در همین جا خرج شده است حالاً باقی نکاتش را بنده عرض نمی کنم ولی عقیده شخصی بنده اینست که هر قدر و هر طور که بتوانیم خودمان مدرسه عالی و دارالفنون تأسیس بکنیم و آنوقت معصیان و

بکمیسیون معارف پروگرام آنها نوشته شده و پس از آنکه در کمیسیون معارف تصویب شد آنوقت به مجلس خواهد آمد والا اینکه ده هزار تومان اعتبار برای ۲۰ نفر شاگرد خواسته اند اینجا گفتگوی ترتیب تحصیل جان ندارد بشود خوب است يك مرتبه دیگر راپورت خوانده شود و رای گرفته شود مگر هم که رای داده شد کافی است و هر چه زودتر برود بکمیسیون معارف آنجا پروگرام آنرا نوشته از نظر مجلس بگذرانند .

نایب رئیس - بترتیب نظامنامه داخلی اول باید در این پیشنهاد رای گرفت که بهینیم آیا قابل توجه می شود یا غیر و در این پیشنهاد همانطوری که آقای مخبر فرمودند از آنچه در راپورت کمیسیون نوشته شده چیزی نمی بینم فقط در یکی از آنها که پنج هزار تومان فوق العاده است که گفته شد مطابق نظامنامه نمی توانیم در آن رای بگیریم - و اگر بکمیسیون معارف برگردد که مطابق شود راپورت کمیسیون بودجه میتوانیم ونوری برای شروع بر این راپورت کمیسیون بودجه میکنیم .

معزز الملک - آنچه که در راپورت کمیسیون بودجه نوشته شده است مخالفت باین پیشنهاد ها ندارد در آنجا نوشته شده است که مجلس يك اعتباری بدهد دهمزار تومان و آن کسانی که برای تحصیل باید بروند بخارج بهیست نفرند بعد ترتیب تعیین آن حدودی که شاگردان آنجا تحصیل کنند با کمیسیون معارف است یا راجع بوزارت معارف است ولی آن کسانی که پیشنهاد کرده اند بکنترل دیگری داشته اند و آن اینست کاول آن ترتیبی که باید داده شود معلوم شود بعد باید بمجلس که مطابق آن ترتیب رای بدهند والا بنده عقیده ام اینست که اگر نصف اینها بروند برای تحصیل نظام رای خواهم داد و الا رای نخواهم داد کتبه مجلس شورای ملی تصویب کند بولیا بعد حق بدهیم بوزارت معارف که هر طور که خودش میخواهد ترتیب کند بنده بکنفران این ترتیب مخالف هستم و وقتی تصویب خواهم کرد که بدانم که يك عده از این شاگردان برای تحصیل نظام فرستاده خواهد شد مخالفت با کمیسیون بودجه هم ندارم لیکن برود این راپورت بکمیسیون معارف در پروگرام آنها نوشته شود آنوقت در هر دو رای می دهیم [پیشنهاد آقای دهیم الملک مجدداً قرائت شد] .

نایب رئیس - رای میکنیم در این پیشنهاد کسانی که با این پیشنهاد آقای دهیم الملک موافقت قیام نمایند [اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد] .

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دهیم الملک تصویب شد - [معنی اظهار کردند که مشکوک شد] .

فهییم الملک - موافق نظام نامه داخلی حق دارم توضیح بدهم .

نایب رئیس - گمان می کنم که در صورتی که نمایندگان محترم مایل نباشند مجلس هیچوقت نمی تواند منظم باشد .

[مجدداً پیشنهاد مورد قرائت شد] .

نایب رئیس - این رای مشکوک شد نمایندگان که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند [با اکثریت تصویب شد] .

نایب رئیس - دستور جلسه آتیه - راپورت کمیسیون پروگرام راجع باصلاحات عدلیه - انتخاب کسری علمای ختمه - تعیین شعب - رای آخری درباره حقوق مسوولین قانون اداره عقوبات اگر وقت باشد شور در بقیه قانون دیوان محاسبات .

آقا میرزا ابراهیم خان - بنده مستم می شمارم که در این موقع عرض خودم را در حضور آقایان محترم که تماماً اهل انصاف و وجدان هستند عرض کرده باشم همیشه ما خودمان شکایت می کنیم از اینکه کارها بطوره میگذرد و روزی يك کار بیشتر نمیگذرد انصافاً از آقایان محترم می رستم تصور از کی است آیا از آن شخصی است که مجلس را اداره می کند یا تصور از اشخاصی است که تمام مطالبی را که در وقت نهائی بخاطر شان می رسد در موضوع وضع يك ماده میخواهند اینجا اظهار بدارند امروز میخواهم عرض کنم از این جلسه ما یکی از آقایان حساب کرده بودند که هر روزی که جلسات مجلس منعقد می شود هفتصد تومان خرج و قیمت دارد آیا در برابر این قیمت ما چه خدمت می کنیم اگر تمام ماها بالا نفراد خواسته باشیم بخیرالانی که خودمان می کنیم در مواضع قوانین منسک را اداره کنیم تأسف میخواهم از اینکه خیالات بکنفر موافق نیست از برای اینکار و اگر خواسته باشیم مغلوب اکثریت بشویم باز جای تأسف است که نمی توانیم تحمل کنیم بر اینکه رای ما مغلوب اکثریت شده باشد در این موقع با کمال احترام با کمال خشوع و تضرع التماس می کنم از این ملت محترم که قدر مقام را خیلی بیشتر از این رعایت فرمایند آنچه در این مقام مذاکره میشود فقط راجع بآن موضوع مذاکره شود اگر وزارت فوائد عامه میخواهد ده هزار تومان اعتبار داشته باشد از برای فرستادن بیست نفر شاگرد با اروپا ما میخواهیم که تمام احتیاجات مملکت را از نظام معلوم و معارف و فوائد عامه رفع بکنیم تصور فرمایند آیا ممکن است همچو چیزی آیا صورت می بندد که بواسطه ده هزار تومان که تصویب می کنیم از برای تحصیل بیست نفر شاگرد دفع تمام احتیاجات خودمان را کرده باشیم بنده از کسانی که اینطور توقعات داشته باشند امیدواری ندارم و استدعا دارم که این مجلس را موهوم نکنند و بگذارند قوانینی که وضع میشود فقط باندازه که انتضا می کند در آن باب مذاکره شده باشد پیش از این عرضی ندارم .

آقا سید حسن مدرس - عرض بنده اینست که اولاً المذکر هند گرام الناس مقبول اول دفعه که آمدم اینجا عرض کردم ولیکن گویا پذیرفته نشد الان دلیل وجوب را مجبور عرض کنم و ما بنطبق عند الهوی - ان هو الا لادی یوحی - یعنی دلیل اگر نسبتی ببعی داده شود که فرمایشی فرمودند که ابدأ بمقام و رتبه کسی بر نخورد ان هو الا لادی یوحی یعنی فرمایش بفرمود صلی الله علیه و آله از روی دلیل است و ما بنطبق عند الهوی یعنی فرمایش بی دلیل نمی فرماید اگر نسبت ببعی دادند در مجلس بحمد الله اهل فضل و علم هستند و اید از رتبه کسی کاسته نشده و هذا الحق فی السئله - اما بر پروفر فرمایش فرمودند که خوب است در مطلب قانونی مدانه و

تأمل شود برای اینکه جعل قانونی که می شود برای يك مملکتی می شود آقا فرمودند خوب فرمودند عرض بنده چنین بود که يك قانونیکه میخواهند برای مملکتی بگذارند در هر پنج دقیقه اکثریت می شود و حال آنکه در اغلب موضوعات چنانچه آقای دکتر فرمایش فرمودند و بنده جاهل بودم اطلاع پیدا کردم و تصدیق کردم عرض می کنم ببعی موضوعات اطلاع کامل نداشتن و در عرض پنج دقیقه می برخاستن و نشستن این طریق وضع قانون مملکت نیست باید اطرافش را تأمل کرد و بی دلیل رای نداد و تا نباشد فرمودند علماء سمت نظارت ندارند از لا يك اختلافی است در معنی قانون که این لفظ که نوشته اند معنی چه چیز است این البته لازم باین نیست که بنده توضیح بکنم ثم اینکه معقول نیست که این علمای ختمه غیر از نظارت سمت دیگری داشته باشد معقول نیست یعنی مجال است جهتش اینست که نمره اینها را بیکره قرآن امام و پندمیر است آنها ناظرند و مینیت دارند اینها هم سعه نو کردند معنای مینیت را دارند و ما هذا لامعنی الناظره رئیس حرکت کرد - در این موقع آقای میرزا احمد اجازه توضیح خواست مجلس يك ساعت و پنجاه دقیقه از شب گذشته ختم شد .

دکتر علیخان - بنده میخواهم عرض کنم چون مسوق هستم که مقصود و در علم این بوده است که برای معلومی بروند يك عده شان و يك چند نفری هم برای علوم دیگر فقط تمام برای معلومی نیست .

[در این موقع آقا میرزا ابراهیم خان آمد به محل نطق و شروع قرائت راپورت کمیسیون پروگرام راجع باصلاحات عدلیه نمود] .

معزز الملک - چون در جلسه گذشته این جزء دستور گذاشته نشده است لازم نیست که خوانده شود بعضی دیگر اظهار کرده اند که اینرا مفصلاً مطالعه کرده ایم و محتاج بخواندن نیست وقت مجلس را این تلف میکند .

رئیس - حالا اگر آقایان مایل ندارند خوانده شود نمی خوانیم و داخل مذاکره میشود .

[میرزا ابراهیم خان به محل خود مراجعت کرد] .

حاج آقا - بچه مناسبت چیزی که اینقدر اهمیت دارد چنین دفعه بنده سایر نمایندگان تقاضا کردیم که از کمیسیون پروگرام راپورتی بیاید بمجلس و خوانده شود امروز چرا داخل مذاکره بشویم و تصور نمی کنیم بجز کمیسیون بتواند بوجوب نظامنامه بنده چه رایبر در آن امام و پندمیر است آنها ناظرند و مینیت دارند اینها هم سعه نو کردند معنای مینیت را دارند و ما هذا لامعنی الناظره رئیس حرکت کرد - در این موقع آقای میرزا احمد اجازه توضیح خواست مجلس يك ساعت و پنجاه دقیقه از شب گذشته ختم شد .

جلسه ۲۰۱
صورت مشروح روز سه شنبه
۲۲ شهر محرم الحرام ۱۳۲۹
[مجلس رسماً ساعت ۱۰:۳۰ صبح در آفتاب در تحت ریاست آقای ذکا الملک تشکیل شد] .

صورت جلسه قبل را آقای معاضد الملک قرائت نمودند .

اسامی غائبین بترتیب ذیل قرائت شد غائبین بدون اجازه سده خدا - با اجازه حاج سید نصر الله مستشار الدوله - اسد الله خان - آقا محمد پروردی مشیر الدوله (اشخاصی که بموقع حاضر نشدند) - ممتاز الدوله - مساوات - آقا میرزا احمد و کبیل - الرعايا - حاج مصدق الملک - حاج آقا سید ابراهیم سردار اعظم - سردار اسد - مرتضی قلی خان - دکتر اسمعیل خان - طباطبائی .

رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست فرمایند .

میرزا ابراهیم خان - چون در مورد لایحه وزیر علوم تصریح کرده اند که این چند نفر شاگرد از برای معلومی و آموزش ترتیب تدریس در مدارس بیرون اروپا از اینجهت لازم است در صورت مجلس ذکر بشود که مقصود معلوم باشد .

معاضد الملک - بلی وزارت معارف بنظور پیشنهاد کرده است و باید بکمیسیون معارف برود و آن کمیسیون که تصویب کرده و بمجلس آمدن وقت هر چه کمیسیون و مجلس تصویب کرد همانطور نوشته میشود .

دکتر علیخان - بنده میخواهم عرض کنم چون مسوق هستم که مقصود و در علم این بوده است که برای معلومی بروند يك عده شان و يك چند نفری هم برای علوم دیگر فقط تمام برای معلومی نیست .

[در این موقع آقا میرزا ابراهیم خان آمد به محل نطق و شروع قرائت راپورت کمیسیون پروگرام راجع باصلاحات عدلیه نمود] .

معزز الملک - چون در جلسه گذشته این جزء دستور گذاشته نشده است لازم نیست که خوانده شود بعضی دیگر اظهار کرده اند که اینرا مفصلاً مطالعه کرده ایم و محتاج بخواندن نیست وقت مجلس را این تلف میکند .

رئیس - حالا اگر آقایان مایل ندارند خوانده شود نمی خوانیم و داخل مذاکره میشود .

[میرزا ابراهیم خان به محل خود مراجعت کرد] .

حاج آقا - بچه مناسبت چیزی که اینقدر اهمیت دارد چنین دفعه بنده سایر نمایندگان تقاضا کردیم که از کمیسیون پروگرام راپورتی بیاید بمجلس و خوانده شود امروز چرا داخل مذاکره بشویم و تصور نمی کنیم بجز کمیسیون بتواند بوجوب نظامنامه بنده چه رایبر در آن امام و پندمیر است آنها ناظرند و مینیت دارند اینها هم سعه نو کردند معنای مینیت را دارند و ما هذا لامعنی الناظره رئیس حرکت کرد - در این موقع آقای میرزا احمد اجازه توضیح خواست مجلس يك ساعت و پنجاه دقیقه از شب گذشته ختم شد .

معزز الملک - حاج آقا ا تباه کرده اند تصور کرده بنده میخواهم این راپورت خوانده نشود ایما اینطور نبوده است و مقصود من این نبوده است و ایما چنین تقاضای نکردم مقصود من این بوده است که چون در جلسه سابق این جزء دستور گذاشته نشده است بیاید امروز مطرح شود .

حاج سید ابراهیم مدرس - این صورت در روزنامه چاپ شده معضایب راهم آقایان مفصلاً ملاحظه فرموده اند و این اجتهاتی که در این جا باین صحبت کرد و آنچه را که بنظر بنده آمده است لازم است عرض کنم بستم این راپورت باصلاح بنده معارضه است و باصلاح دیگران از اینک است که در واقع خارج از موضوع است و ترتیب بیکرش تشکیلات عدلیه است که اگر میخواهیم آنها را بخوانیم این خیلی وقت لازم دارد و يك جزء دیگرش راجع باصلاح تشکیلات عدلیه است و بنده وقتی که قانون تشکیلات عدلیه نوشته شده است نباید بفرمود وقت يك مرتبه باید زمینه بجهت تشکیلات عدلیه در نظر گرفت که همان قانون تشکیلات عدلیه است و آنچه راجع باصلاح تشکیلات عدلیه شده بنده بجهت راجع باصلاح تشکیلات عدلیه نیست بجهت اینکه چیزی که در اینجا ذکر میکند هیچ چیز است یکی شرعی است که آن ارتباط با کما شریعاً دارد و وقتی که قانون تشکیلات عدلیه اینجا خوانده شد نظریات آقایان معلوم شد و همان نظر در تشکیلات عدلیه منظور شده است دیگر اینجا لازم نیست که مذاکره شود و یکی هم در خصوص انتخاب اعضاء لایق و عالم است که آنها هم راجع باصلاح تشکیلات عدلیه نیست که فقط در عدلیه اشخاص لایق بگذارند و اشخاص نالایق را خارج کنند این راجع بتمام ادارات است که باید ملاحظه بکنند و اشخاص لایقی که اطلاع امور اداری آن اداره داشته انتخاب نمایند لیکن يك معلومی نیست .

معزز الملک - حاج آقا ا تباه کرده اند تصور کرده بنده میخواهم این راپورت خوانده نشود ایما اینطور نبوده است و مقصود من این نبوده است و ایما چنین تقاضای نکردم مقصود من این بوده است که چون در جلسه سابق این جزء دستور گذاشته نشده است بیاید امروز مطرح شود .

حاج سید ابراهیم مدرس - این صورت در روزنامه چاپ شده معضایب راهم آقایان مفصلاً ملاحظه فرموده اند و این اجتهاتی که در این جا باین صحبت کرد و آنچه را که بنظر بنده آمده است لازم است عرض کنم بستم این راپورت باصلاح بنده معارضه است و باصلاح دیگران از اینک است که در واقع خارج از موضوع است و ترتیب بیکرش تشکیلات عدلیه است که اگر میخواهیم آنها را بخوانیم این خیلی وقت لازم دارد و يك جزء دیگرش راجع باصلاح تشکیلات عدلیه است و بنده وقتی که قانون تشکیلات عدلیه نوشته شده است نباید بفرمود وقت يك مرتبه باید زمینه بجهت تشکیلات عدلیه در نظر گرفت که همان قانون تشکیلات عدلیه است و آنچه راجع باصلاح تشکیلات عدلیه شده بنده بجهت راجع باصلاح تشکیلات عدلیه نیست بجهت اینکه چیزی که در اینجا ذکر میکند هیچ چیز است یکی شرعی است که آن ارتباط با کما شریعاً دارد و وقتی که قانون تشکیلات عدلیه اینجا خوانده شد نظریات آقایان معلوم شد و همان نظر در تشکیلات عدلیه منظور شده است دیگر اینجا لازم نیست که مذاکره شود و یکی هم در خصوص انتخاب اعضاء لایق و عالم است که آنها هم راجع باصلاح تشکیلات عدلیه نیست که فقط در عدلیه اشخاص لایق بگذارند و اشخاص نالایق را خارج کنند این راجع بتمام ادارات است که باید ملاحظه بکنند و اشخاص لایقی که اطلاع امور اداری آن اداره داشته انتخاب نمایند لیکن يك معلومی نیست .

چیزی که خیلی مهم و لازم است تعیین نشده است آن تعیین مجازات است برای اعضاء که اعضائی که در محاکم خودشان خیانت کرده اند مجازات آنها چیست و اگر این تعیین بشود مجری شود بنده بجهت بنده کافی است و بهترین اصلاح است لیکن این چیز هائی که در اینجا ذکر شده است اینها ربطی باصلاح عدلیه ندارد اینها تکلیف یک وزیر است که بخواهد در اداره خودش اصلاحاتی بکند يك ترتیبی برای اصلاح نیست که عدلیه بیاید پیشنهاد بکنند در آن مذاکره شود و از مجلس بگذرد مثلاً آمده است يك اصل از قانون اساسی را که می گوید در هر ایالتی يك محکمه استیفاء باید تشکیل شود بی گوید اینرا بردارند که مثل فارس و کرمان و خراسان آذربایجان که قانون وزارت داخله آنجاها را ایالت محسوب داشته و معلوم است بموجب قانون اساسی در ایالات باید محکمه استیفاء باشد و اینکه اینجا نوشته است که محکمه استیفاء در آنجاها نباید باشد این در واقع حکم بیرداشتن قانون اساسی است و ممکن است بت اصل از قانون اساسی برداشته شود لیکن نه باین اساسی دیگر اینکه آمده است فرق بین مجلس و محکمه گذاشته است که در هر کج محکمه باشد و در سایر جاها مجلس باشد بنده نمی فهمم فرق محکمه و مجلس کدام است یعنی آنچه که محکمه نباشد و مجلس هست امرش و حکمش باید امرش نباشد بنده اینجا درست نمی فهمم اگر باید امرش و حکمش باشد باید که با محکمه فرق ندارد و در بعضی جاها گفته اند که در تحت نظر حکومت باشد یعنی عدلیه نداشته باشد يك نفر فرض باشی برای حکومت معین کنیم که او رسیدگی بمرامات کرده و در عدلیه را بکند این يك چیزی است که در این دوره نمی شود که این ترتیب موافق با اساس مشروطیت است بلکه خیلی مخالف با اساس مشروطیت است بجهت اینکه نمی توانیم بگوئیم در اینجا مشروطیت بجهت اینکه در مملکت مشروطه نمی توانیم بگوئیم در بعضی نقاط عدلیه در تحت وزارت عدلیه و وزیر عدلیه باشد و در بعضی نقاط در تحت نظر حکومت باشد و این مخالف با مشروطیت است دیگر این که تصدیق کرده اند که دولت باید سعی بکند در تحصیل امنیت و معلوم است تحصیل امنیت شعبی دارد و یکی از ضمیمات تحصیل امنیت قوای مسلحه است که بفرستند برای جلوگیری از اشراق این هم بدیهی است که لازم است لیکن بنده می گویم که بيك ترتیب سلب امنیت خواهد شد بجهت اینکه در اینجا يك حقوقی از ملت گرفته اند بجهت اینکه قانون اساسی يك حقوقی برای ملت معین کرده است و آن حقوقی را بپوش این راپورت از ملت گرفته اند قانون اساسی فرقی نگذاشته است و يك حقوقی برای ملت معین کرده است اعم از مرکز و غیر مرکز و اینجا فرقی گذاشته اند و در حقیقت باین ترتیب آنها را دوت بسلب امنیت کرده ایم برای اینکه آنها می گویند که ما بجهت قانون دست از حقوق مسلمه خود برداریم این قانون اساسی بمدار این زحمات گرفته شده است معین کرده است

حقوق اهالی را حالا بجهت شما می گویند در فلانجا محکمه نباشد در فلانجا مجلس نباشد در فلانجا استیفاء نباشد بنده اگر این طور بشود و مجلس قبول کند سلب امنیت و امیدواری از عموم می شود البته اقتدار دولت لازم است لیکن اقتدار دولت نادر این است که عدلیه شعبات قانونی خودش در ایالات و ولایات نباشد بلکه اقتدار دولت در این است که عدلیه در اقتدار قانونی خودش باقی باشد و وزارت داخله هم در کار خودش مستقل و معتبر باشد نه اینکه ما بیاییم و بگوئیم که عدلیه در بعضی جاها در تحت نظر وزارت عدلیه باشد در بعضی جاها در تحت نظر و نفوذ حکومت وزارت داخله باشد پس بجهتی که عرض کرده ام ما نمی توانیم این راپورت را قبول کنیم بجهت اینکه يك لاش خطابه است و يك لاش هم برداشتن يك اصل قانون اساسی است که اگر بخواهیم آن يك ناکت را قبول کنیم باید رای بدیم باین که منافعت و منافی يك اصل از قانون اساسی راجع عدلیه عمل شود و يك گفتش هم راجع بتشکیلات عدلیه است و پس بنده این پروگرام نباید رد شود و مجلس قبول نکند برای این که این معایب را دارد بلکه غیر از این مایب هم دارد و اگر نباشد که بگذرد و در این خصوص مذاکره شود بنده باز اجازه می خواهم و معاینش را عرض می کنم و این را قابل مذاکره نمی دانم

آقای آقا میرزا احمد - بنده هیچ نمی دانم که جهت چه شد که انتخاب شعبات تأخیر شده و حالا داخل می شویم در يك مذاکره که مطرح بنا نبوده است بشود بنده در این لایحه که مطالعه کردم از اول تا آخر دیدم دارم پس برویم بجهت این که این پیشنهاد چند چیز را می فهماند یکی اقلیت است کمیسیون پروگرام را که چه می خواهند بکنند می خواهند يك حکومت اشرافی تشکیل کنند و حکومت ملی را تبدیل بحکومت اشرافی کنند در مقدمه این راپورت نوشته است که دو چیز خیلی اهمیت دارد یکی امنیت و یکی عدالت است امنیت را در درجه اول قرار داده اند و عدالت را در درجه ثانی و وقتی که داخل در عمل شده اند عدالت را مقدم قرار داده اند و امنیت را عقب انداخته اند و باز در مقدمه می نویسند که این دولت جدید تندرستی کرده است و بر ضد افکار عامه رفتار کرده است بنده هر دوی این ادعا را رد میکنم بجهت اینکه تند روی خارج از دو قسم نیست یا تندرستی در وضع قانون است یا تندرستی در عمل و اجرائیات است اما آنکه تندرستی در وضع قانون باشد بنده نمیدانم آقا قانونیکه وضع شده باشد و اکثریت مجلس تصویب کرده باشد و از مجلس گذشته باشد و منافی مقتضیات وقت و بر ضد افکار عامه باشد بنده چنین قانونی سراغ ندارم آقا قانون کدام است خوبست هر يك از آقایان سراغ دارند بنده هم نشان بدهم که بدانم اما آنچه تندرستی کرده باشد دولت جدید از حیث عدل چه عملی بوده که برخلاف مقتضیات وقت بوده و چه تند روی شده است و در ضمن اینکه می خواهند تندرستی را

پیان کفتمی خواهند که تشکیل عدلیه را در ایالات و ولایات برضد افکار عامه قرار بدهند بنده عرض میکنم بالعکس اگر این عدلیه هائیرا که تشکیل شده است یعنی این قوای ملی شما را برضد و بر خلاف قوای مستبده است بردارند این برضد افکار عامه است اینکه در هرجائی که عدلیه تشکیل شده است که يك قوای ملی است و مقابل قوای استبدادی است او را از میان بردارند و حکومت رئیس مجلس محاکمه در استیفاء باشد و تقویت کند اساس ارتجاع و دولت مستبده را این برضد افکار عامه است و اینکه تجزیه قوای ملته شود و قوای غیر قضائیه در قوه قضائیه مداخله بکنند برضد قانون اساسی است گذشته از این نقض دیگری در قانون اساسی می شود که آقای حاج سید ابراهیم مدرس هم فرمودند اینست که نوشته شده است در ایالات محکمه استیفاء نباید باشد و حاکم نظردر عدلیه باید داشته باشد در صورتیکه این خلاف قانون اساسی است در ایالات و ولایات محکمه استیفاء باید باشد و حاکم هم عدلیه باید باشد و همیشه هم این دو مقرر باید از هم مجزی باشند بنده آنچه را که بیشتر اسباب عدم پیشرفت کار می بینم و لازم است که عرض کنم و اصلاح عدلیه فقط بسند باوست و کمیسیون پروگرام ملفق آن نشده است او اینست که در محاکمه تساوی بر تمام طبقات باشد اگر فلان را در محکوم شد به پنجاه هزار تومان آتوت خواستند پنجاه هزار تومان دهیک از او بگیرند مزایقه مامور شده است باشد دهیک محکوم و اخراج نشود ولی آن بقان بیچاره که محکوم شده هم مجازات بشود بنده عرض میکنم چیزی که باعث عدم پیشرفت امور کلیه شهادت عدلیه در ایالات و ولایات شده است داشتن اسباب داشتن ملاحظه بوده است اگر باز بخواند که اصلاحی در امور عدلیه بشود باید اینکار را بکنند که مرفی بین فلان الدوله و فلان یقمنلی بقان نباشد لکن بدینجه می بینم که هر يك از آنها که محکوم شدند ایما باین ترتیب رای داده نمیشود لکن بر عکس اگر يك ضعیفی و فقیری محکوم شد او وقت تمام مراتب مجازات و محکومیت در حق او اجرا میشود بنده امروز از روز تریعی میدانم و در اینجا سراسری که لازم است باید بکنم امروز روزی است که حکومت عدلیه ملیه ایران باید بموجب این این رایور بر گردد بجهت اشرافی بر خلاف قانون اساسی لهذا بنده جدا این پیشنهاد را رد میکنم و عدلیه مطابق اینکه در قانون اساسی مصرح است باید تشکیل بشود منتوی دو عیب در عدلیه هست هر دو باید اصلاح بشود یکی مسئله پول و حقوق مستخدمین است تا خیر می افتد و بآنها حقوق نمیرسد بنده در اینجا متهم می شوم و در واقع همین طور هم هست که اگر نباشد آن حاکمی که از محاکم عدلیه صادر شد از اجراء ندارند هیچوقت اعصاب عدلیه سرگردان نمی مانند بلکه زیادی هم میدانند و دولت هم میرسد دیگر در حیث ربط شرع است و از حیث و ربط شرع سابقا در اینجا ملاحظه شده است و در قانون تشکلات عدلیه پیش خواهد

آمد و در آنجا البته نظریات مجلس معلوم خواهد شد و نظریات مجلس هم معلوم است طوری است که موافق با شرع و مخالف با قوانین شریعه نباشد بنده این پیشنهاد را از حیث اینکه مداخله قوه - اجرائیه را در قوه قضائیه قرار داده است و این مخالفت با قانون اساسی است لغو میدانم و بیچاره قابل مذاکره نمیدانم

آقای سید جلیل - این پیشنهادها بجهت میشود باید مطابق نظامنامه داخلی باشد و مطابق نظامنامه داخلی پیشنهادیکه از یکی از نمایندگان می شود باید بامضای پانزده نفر از نمایندگان باشد حالا این یکی از اوایج قانونیست او را از طرف کدام يك از وزارتخانه ها پیشنهاد شده است تا باینکه اگر از طرف نماینده پیشنهاد شده است ۱۵ نفر او را امضاء کرده اند

رئیس - این رایور کمیسیونیکه مجلس انتخاب کرده است آن کمیسیون را حالا رایور خودش راداده است

منتصر السلطان - راجع باین لایحه بنده اولاً اساساً میخواهم عرض بکنم که این رایور را آیا هیئت وزراء هم این را دیده اند یا خبر در صورتیکه لازم است این را هیئت وزراء به پیشنهاد این رایور قابل اجراء است یا خیر و امروز هر یک پیشه این را قبول میکنند یا خیر و مقتضی وقت هم هست این رایور را یا خیر چون باید وقت را ملاحظه کرد و افکار ملت را هم باید ملاحظه کرد بخلاف بعضی که ادعا می کنند که این را قابل نمی شمارند بنده این را پیش از همه چیز اهمیت میدهم بجهت اینکه ملت که ما را فرستاده است اینجا باید به بینیم که افکار آنها چه چیز است و این را می بینیم و اگر این ملاحظه ادعا می کنند که این را در راه قرار است این اظهارات را می بینیم و حکومت اشرافی را قبول دارند یا اینکه حکومت اشرافی وارد میکنند دوم این که در اینجا یک چیزی را که بنده زیاد تر ایراد دارم و آقای حاج سید ابراهیم مدرس و آقای مدرس که سرح فرمودند لکن این مطلب را فراموش فرمودند و بنده آنرا صحیح نمی دانم و چیزی عریب است این که میگویند مدعی و مدعی عالی پس از آنکه در محکمه حاضر شدند و مذاکره کردند و محکمه حکمی داد که در طرفین هم راضی به آن شدند و در محکمه جاری شدند این کسی که محکوم شده اگر استیفاء نخواست حاکم می تواند خودش می تواند استیفاء بدهد چون مجری احکام است این در اینجا هست من میخواهم خانها را رایورشم و میگویند بیروس من در محکمه ادعای خود را ثابت کردم محکم گرفته ام آتوت چون حاکم میلتیست که این اجراء شود میگویند باید استیفاء بدهید و تا باینجا این معادله را باید تجزیه کنید این موافق چه قانونی است و اصلاً این استیفاء به بینیم چه فایده دارد دو فایده دارد یکی این که حکم برطرف که میل حکومت است داده شود دیگر این که ده يك گرفته شود پس خوبست باینکه که ای ملت باینکه لغت شوید بعنوان دهيك و میخواهم ما شما را بعنوان دهيك بگیریم و باسم قانون شما را

نیست کنیم و خلاصه زحمت و حاصل زندگانی شما را از شما بگیریم ما يك ملت اشراف پرست شده ایم بنده می خواهم از طرف ملت ادای وظیفه خودم را عرض کنم ملت میگویند ما مالیات میدیم برای چه مالیات میدیم که امنیت داشته باشیم دولت در مقابل این مالیاتیکه از ما میگیرد باید چه چیز که لازمه امنیت است تاسیس کند اولاً قوه که حفظ حدود مملکتی و ملتیک مملکتی ما را بنده دوم قوه که من شب در خانه ام که میخوابم بدانم چیزی تجارتی یا کلیه خانه ام محفوظ است کس نمیرد ببرد سیم آنکه اگر دردی آمد و از حجره یا از خانه من چیزی برد من بتوانم به قضاوت خانه یا در وزارت خانه عدلیه تنظیم کنم که شما حفظ حقوق و حدود مرا در همه گرفتارید مال مرا فلانکس برده است بگیرید بمن رد کنید منکه رعیت جو دارم مال مرا برده اند برورید بگیرید چه حق دارند دیگر عدلیه دهيك و ده نیم بگیرد ای و لای ملت شما که میگویند بملت بیچاره مالیات بدهند شما در مقابل این مطالبه مالیات سه چیز را باید برای ملت حاضر و تهیه کنید اولاً اینکه تمام روسای مملکت در مقابل قانون بهتر برز کری مساوی باشد آن رعیت بیچاره جو کار این مالیات را میدهد که در مقابل آن در خانه خود راحت بجا بماند پلیس و نظمیه باشد و شب مال او را بزنند دیگر این که قوه نظامی در مملکت باشد که محافظت حدود و تنور مملکت اسلامی و عرض و دماوس او را بکنند دیگر این که اگر کسی باوتی کرد مال او را تصرف کردند مملکت يك قوه قضائیه باشد که عرض حال اینجا کند و آنها احتیاق حق او را بکنند یعنی چه قوه اجرائیه یعنی حاکم حق داشته باشد در قوه قضائیه مداخله داشته باشد یعنی چه که حاکم مجاز باشد از طرف من استیفاء بدهد مگر من صغیرم که نیم لازم داشته باشم که حاکم نیم من باشد ایرانی امروزه آنقدر بدبخت شده است که حکام داخل آدم شده اند

افتخار الواعظین - بنده امروز از خیلی شبیه می بینم بان روزیکه رایور کمیسیون تقنینی عدلیه آمد لایحه ای پس از مدتی که مردم شکایت کرده اند از وضع عدلیه ابوت مجلس يك هیئت را بر لب از دوارده نهمین کرده از برای این که بروند به عدلیه و بترتیب دوسه های عدلیه رسیدگی کنند به بینیم این شکایات و اعتراضات صحیح است یا خیر مدت چهل روز در هوای گرم تابستان آقایان تشریف بردند برای رسیدگی شکایت مردم به عدلیه و بنام نظامات و نام شکایات مردم و بنام دوسه ها و معادله رسیدگی کردند وقت خبر کمیسیون را روز آمد اینجا اظهار کرد که اگر مجلس اجراء بدهد بکنجه دیگر یا دو جمله دیگر این تقنینات خودمان را امده بدیم آتوت می توانیم بآن مقصود عالی که در نظر داریم مثال شویم و به نتیجه مطلوب برسیم و خان معلوم شود یعنی بگیریم خان عدلیه کیست و چه خیانت کرده و باید چه کرد آتوت میدانم بدینجهت که چه شد وقتی که به نتیجه رسیدیم همان نماینده کانیکه

خودشان آن هیئت را معین کرده بودند بر خاصیتند و قانون اساسی را آوردند و فریاد بلند کردند که قوه مقننه حق ندارد در قوه قضائیه مداخله بکنند و سلب حق تقنینی مجلس را کردند به نتیجه مطلوب رسیدلکن بنده امروز بدینجهت می بینم این کمیسیون که مجلس تعیین کرده است يك بخیر ندارد که امروز از رایورنش دفاع بکنند و بنده هم خواندن تمام آرایور در تصور نمیکنم بجهت اینکه يك جمله این رایور مقدمه و خطابه است نه اینکه رایور کمیسیون پروگرام باشد و ما بدش را که راجع با اصلاحات عدلیه است از آنجائی که نوشته است به مدار مقدمات مذکور بنده لازم می دانم که خوانده شود و مفیدتر و بهتر از اینست که گفته شود ما می خواهیم حکومت ملی را تغییر بدیم يك حکومت اشرافی تشکیل کنیم و آن ترتیبی را که فرمودند اگر چنانچه مدعی و مدعی عالی بخواهند استیفاء نهند حاکم حق دارد که استیفاء بدهد چنین چیزی را کمان نمیتوانم در هیچ جای دنیا اجرا شود و قانون عدلیه ما هم اگر بشود همان نمی گنم چنین چیزی از مجلس بگذرد ولی اینجا در دین اصلاحات عدلیه کمیسیون پروگرام اصلاحات را بر سه قسم منقسم کرده اند بنده نمی دانم ایرادیکه آقایان دارند در کدام جزء قسمت اولی اصلاح اعصاب عدلیه است و مستخدمین عدلیه است و بنده عرض میکنم که اغلب مردم این شهر شکایتشان این است ۱۵ اشخاص را بدون امتحان بدون اینکه بدانیم اطلاعی از معادله دارند بدون این که بترتیب معادلات و ترتیب رسیدگی بدهای مردم داشته باشند شما آورده اید در اینجا نشانی بدهید و آنها را مالک رها کنید و حاکم بر جان و مال مردم کرده اید و بقدری اینها بی اطلاع هستند که شاید در عدلیه قسم بدهد و می دهند که قسم دادن راجع بشخص معنی بشرایط معین است که اگر آن شرایط در او موجود نباشد نمی تواند کسی را قسم بدهد و اینها يك فرائی را می آورند در عدلیه میگویند بیا قسم بخور درم اصلاح ادارات عدلیه است بنده عرض میکنم که از دوتای آن بنده اطلاع دارم یکی عدلیه مرکزیه مشهود بود آصف الملکی را از اینجا معین کرده اند وقت که آنجا رفت ماه در آنجا مشغول بود بتدقیقات بالاخره مردم فشار آوردند و پنجم ایالتی و انجمن ایالتی رفت که رسیدگی کنند بحساسیات و دفاتران در این عدلیه يك ابطال دفاترش بقدر دفتر يك بقالی که روغن و بنیر و ماست می فرود شد بآن اندازه هم مرتب نیست بطوریکه هیئت مفتشین انجمن ایالتی فهمیدند که در این مدت عدلیه خراسان چه قدر دخل و چه قدر خرج داشته پس از آنکه بجزایات زیاد بواسطه اشخاص معلوم و معین کردند معلوم شد که ایشان ماهی سیصد تومان برای خودشان حقوق برداشته و در این مدت هفت ماه يك ماه با جزاء حقوق داده اند و يك هزار و بیست تومان هم که هیچ صورت خرجی نداشت بملوا ایشان نوش جان فرموده اند و آمدند اینجا رفتند بفرنگستان یکی دیگر که بنده اطلاع دارم رئیس عدلیه بنیابور است که وقتی بر میگفتم بدین درد دیوار بنیابور هم از اینها شاکیست و میگویند این نمایندگان غیر قانونی شما موافق

کدام قانون است و میگویند این پولها که شما می گیرید در همین قانون موقتی شاهم نیست او بر مردم جواب میدهد که من خودم رب النوع قانونم و من خودم از قوه مقننه و مجریه بالا ترهستم و کسی نیست که مطابق قانون موقتی رفتار کنم اینجمن وقتی رفت تقنینی کرده اند که در این نهماد شصت هزار تومان پول از بنیابور تنها گرفته است حالا نمی دانم مردم سمنان و دامغان چه میگویند بنده عرض می کنم که این پروگرام خیلی صحیح است و مرادش از اینست که میگوید تاکنون به نتیجه مطلوبه نرسیده ایم این که در مقدمه میگویند که با اسباب فراهم نکرده ادارات تشکیل کرده ایم که خودتان بگیرید برنیس برو بکمران و خراسان و اسفهان خودت دخل پیدا کن و بخور معلوم است که آن عدلیه چه خواهد بود بنده عرض می کنم بنده از همه ما یولمان اجازه میدهم بهمان اندازه باید ادارات تشکیل کنیم بنده عرض میکنم اگر میگویند اینها که تا بجای از مرگ رفته اند اسباب انزجار مردم نشده اند و مردم در مشروطیت بواسطه سوء اعمال اینها متزجر شده اند عرض میکنم منکر محسوس شده اند بجهت اینکه هر کدام که رفتند يك قسمتی مردم را چاپیدند و ما هر اداره را که میخواهیم تاسیس بکنیم باید این سه چیز را درجه خودمان قرار بدیم اولاً تعیین اشخاص عالم این امتحان شده پس از آن يك قانون دستور العمل موقتی برای تعیین کنیم نه اینکه نظمی های ولایات امروز یکی از ادارات این مملکت است و تا يك اندازه از سایر ادارات بهتر است ولی هر ما مور نظمی در هر نقطه برای خودش يك قانون وضع کرده است گویا اداره نظمی ولایات هر کدام بيك شكلیك ترتیب رفتار می کنند بترتیب يك دولت مستقل که جدا گانه از دولت دیگر رفتار میکنند بعد از آن باید برای ادارات حقوق معین شود و مستخدمین باید حقوق داد و حالا در این رایور کمیسیون از برای اصلاحات سه قسم معین کرده است که بنده هر سه قسم را تمجید و تحسین میکنم و تقاضا می کنم هر سه قسم خوانده شود و اینکه آقای حاجی سید ابراهیم فرمودند که باید مجازات آنها معین شود و بدون مجازات ممکن نیست اصلاح شود بنده با این مطلب شریکم و تصدیق میکنم لکن کمیسیون نمی توانسته است که در ذیل این رایور قانون مجازات را هم معین کند و عرض میکنم مقدمه را بگذارید و از آنجا که شروع بطلب می کند خواننده شود تا اینکه بدانند که کمیسیون صحیح نوشته است

وزیر امور خارجه - از مذاکراتیکه امروز در مجلس میشود همه چه معلوم میشود که در خصوص پروگرام طریق مشی دولت که مدتی بود منتظر بودیم تمارک شود ملا کره میشود ولی گویا از اول هم انتظار دولت این بود پس بر تهم ملا کره شد آنکه این پروگرام تهیه شد و قبل از آنکه اقدام آخری شود این پروگرام را بوزراء ارائه بدهند تا نظریاتی که لازم است از طرف هیئت وزراء در آن بعمل بیاید و چون مسلم است که مشول اجرای این پروگرام وزراء خواهند شد و لابد نظریاتی

خواهند داشت که بایستی آن نظریات را اظهار بدارند و شاید يك اصلاحی لازم داشته باشد آنها را هم بنظر مجلس برسانند که يك پروگرام تمام الاعضاء بنظر مجلس برسانند در این صورت این مذاکراتیکه اینجا می شود قبل از آنکه وزراء نظریات خودشان را بنده این يك زحمتی است و احتمال دارد بعضی از آنها بنظر وزراء طوری دیگر بیاید و به مجلس هم که اظهار بدارند مجلس هم تصدیق کند پس بهتر اینست که پیش از این که رای فطمی مجلس در این باب گرفته شود خوبست بهیئت وزراء فرستاده شود که رای خودشان را هم ضمیمه کرده در باره به مجلس تقدیم نمایند (اغلب نمایندگان تصدیق کردند) دیگر اینکه آقای منصور السلطان در ضمن بیانات خودشان چون قدری حرارت داشته اظهار ای لطفی بحکم فرمودند چون در مقام اثبات اظهار مطلب حقی داشتند تند شدند و فرمودند که حکام داخل آدم نیستند این طور نباید گفت خاصه در مجلس چرا که حکام را ما امروز نمایندگان دولت مشروع میدانیم و حتی در مجلس مقدس این قبیل اظهارات بشود و باطراف برسد دیگر برای حکام که نمایندگان شما هستند وقتی باقی نخواهد ماند و حکام باید بانده مقرر له قانونا و مشوراً برای آنها مقرر کرده اند رفتار بکنند و در آن صورت له آنها بوظیفه مشروع خودشان رفتار بکنند البته محترم هستند و باید رعایت احترام آنها را کرد و در باب رایور چنانچه عرض کرد البته مقرر میفرمایند که بهیئت وزراء ارجاع شود که آنها نظریات خودشان را بنده تصدیق و تقدیم میکنم در این می کنند که رایور کمیسیون پروگرام به مجلس وزراء ارجاع شود دیگر کمان میکنم که مذاکره لازم داشته باشد

حاج آقا - فقط همین را می خواستم عرض کنم که يك پروگرامی را که از این تشکیل این کابینه آقای مشیرالدوله مکرراً اظهار کرده بودند و بنده هم تصدیق کرده بودند (جماعتی از نمایندگان گفتند همه تصدیق نکرده اند) و گفتند به نشینند يك پروگرامی را برای مشی دولت بنویسند در صورتیکه همه تصدیق کردند مخصوصاً در آن اطاق که بنشینند و يك پروگرامی را برای مشی دولت بنویسند و همه تصدیق کردند و رای گرفته شد و بعد از آن این کمیسیون نشینند و این رایور را نوشتند اولاً خوب بود که اینها می فرستادند پیش وزراء و رای آنها را معلوم می کردند بعد به مجلس می آوردند حالا که آورده اند به مجلس مدافعه می کنند از اصلاحاتی که در عدلیه باید بشود يك عدلیه که امروز آتش بجان مردم زده اند باسم دموکراسی و مردمان بی و جسدان را بجان مردم انداخته اند و فریاد مردم را بلند کرده اند (در این موقع هیاهوی بزرگی در مجلس شد) و جماعتی از نمایندگان اجازه خواستند

رئیس - حالا این لایحه راجع می شود بر حسب تقاضای آقای وزیر بهیئت وزراء

وحید الملک - حاجی آقا باید اظهار خودش را بی بگیرد والا کسی حق مذاکره ندارد

(سایمان میرزا اجازه خواسته بمنبر نطق برآمد
بعضی گفتند موضوع مذاکره چیست)
سایمان میرزا - موضوع برائت ذمه يك
فرقه معترمی است که به بدنامی اسم برده شد .
رئیس - ده دقیقه تنفس است .
[ناتیبا جلسه تشکیل شد]
رئیس - درخصوص انتخاب دوتفر از علماء
خسه که امروز جزء دستور است يك تلگرافی هم
دراین خصوص ارتباط رسیده است خواهی میشود
برای استحضار خاطر آقایان [تلگراف مذکور
بمضمون ذیل قرائت شد]
محسن محترم شورای ملی نصرالله نمائی اعوانه
چون توقف جناب مستطاب شریعتمدار ثقه الاسلام
آقای حاجی شیخ اسمعیل دامت برکاته در
ظهران معلوم نبود و در هداد نظار تعداد نشدن
حال که منتخبین نجف اشرف استعفا فرموده چنانچه
آن جناب مصایقه ازتوقف و اجابت نداشته باشند
انتخاب ایشان خیلی بهوقع است کتباً هم اشعار
باین مضمون شده است - محمد کاظم الخراسانی
عباده مؤمنان را .

رئیس - بنابراین ازطرف آقایان آیتین
اشعار شده که اسم آقای آقا شیخ اسمعیل راجع
عده نموده که درواقع فرقه اسم ایشان هم جزء
منتخبین باشد .

آقا شیخ حسین یزدی - این آقا شیخ اسمعیل
را اگر برای انتخاب کنیم شاید اتفاق هم حاصل
شود که محتاج بفرقه نباشد .

محمد هاشم میرزا - چند روز قبل بنده
در اینجا عرض کردم جوابی که برهانی باشندنداندند
بعضی از آقایان فقط گفتند اینطور نیست و در
روز نامه هم کسه نوشته شده است ابد هیچ
دلیلی برای از اظهار نشده است استعفا می کنم
که اینگونه مطالب را یانویسند یا اگر می نویسند
دلایلش را هم بنویسند که سوء تفاهم نشود بنده
عرض می کنم بموجب ماده ۲ قانون اساسی که نوشته
اند باید بیست نفر را آقایان مرجع تقلید ششمین معین
کنند که پنج نفر از آن بیست نفر را مجلس انتخاب
نماید و لغز آنها هم دارد و این اشاره است بهمان
بیست نفر وبعد انتخاب پنج نفر مثل انتخاب درجه دوم
است از درجه اول مثل اینکه در فلان مرکز حوزه
انتخابیه که بنامش ۳۳ نفر در درجه اول انتخاب شوند
و بارده نفر از آنها در درجه دوم انتخاب باید شوند
اگر یک نفر از آنها استعفا یافت کرد باید یک نفر
بجای او معین شود و بهمان انتخاب شود و هم چنین در
جاهائی که درجه اول سه نفر است و یک نفر باید انتخاب شود
بمجلس بیاید اگر یک نفر فوت شد بین دوتفر فرقه
نمی زنند باید یک نفر عوض متوفی معین شود آنوقت
با فرقه یک نفر از سه نفر انتخاب شود و چنانچه در
مشرقه دیوان محاسبات دو برابر عده که منتخب میشوند
اگر کم باشد البته کسر او را وزیر مالیه باید انتخاب
نمایند گویا نظرشان بهمین بوده است مثل اینکه
اول ۳۰ نفر انتخاب کردند بعد که آقایان بهمانی

مرحوم شد آقای آقا شیخ هادی بیر جندی معرفی
و معین شد و هم چنین که حالا آقا شیخ عداله
گلیبگانی در نجف مرحوم شده آقایان آقا شیخ
اسمعیل را معین کردند و تلگراف کرده اند چون
علماء نجف استعفای خود را در آمدن لهذا آقا شیخ اسمعیل
را انتخاب کردیم پس معلوم می شود که استعفا او
موجب این شده است که دیگری را انتخاب کرده اند
و اگر برخلاف این باشد عرض می کنم که انتخاب
آقای بیرجندی و آقا شیخ اسمعیل غیر صحیح است
و بهین دلیل نظر آقایان همین بوده است و آقایان
آیات اله که آقای آقا شیخ اسمعیل را انتخاب
کرده اند همین مقصودشان بوده است پس معلوم
میشود که در عرض آقای حاج میرزا ذین العابدین که
مرحوم شده اند باید اطلاع داده شود که انتخاب
کننده عده تکمیل شود آنوقت انتخاب شود و در
مجلس و اگر از این بیست و پنج نفر با تقریباً هفت
هشت نفر بیرون رود و استعفا بدهند با لاجرم عده منحصراً
به پنج نفر رسد آنوقت پنج از پنج نفر بطور خواهد
شد در قانون اساسی نوشته است پنج نفر از بیست
نفر انتخاب شوند در این صورت حق آنها از مجلس
بکلی سلب خواهد شد بجهت اینکه پنج نفر از پنج نفر
معمول بیست در صورتیکه این ماده دوم تمام و کلا حق
شده است پس این دلیل نمی شود که ایشان هم با
انتخاب داده است در صورتیکه این عرض را که بنده
میکنم شاید بعضی از آقایان در معرفتشان بیشتر
باشند آقایان اینکه تا بحال انتخاب شده اند و با آنها
اتفاق حاصل شود و مقصود از آن ماده هم در دهمه
اولی اتفاق در این موضوع و بعد نوشته است که اگر
اتفاق حاصل نشد آنوقت بفرقه معین کنند لهذا
عقب بنده این است که باید اطلاع داده شود تکمیل
بیست نفر بشود تا اینکه این عده از بین آنها انتخاب
شود و اگر نباشد پنج نفر از بیست نفر انتخاب شود
یک نفر آخری از ۶ نفر بنده عرض می کنم اینطور
نیست و این تقدم و تاخر نیست همه در یک مرتبه
هستند باید پنج نفر از بیست نفر انتخاب شود حالا
هر کس جوابی و ایرادی دارد استعفا می کنم که
تشریف بیاورند و با برهان بنده را رد فرمایند بجز
اینکه از آنچه فرمایند که این همینطور نیست این
ها جواب بنده نخواهد شد و الا بنده عرض خودم
را دو مرتبه عرض خواهم کرد تا اینکه اکثریت
مجلس بگوید حرف نزن آنوقت حرفی ندارم .

حاج سید ابراهیم - بلی در همین ماده قانون
اساسی معین کرده است که در هر عصری ۲۰ نفر
معین کنند و از بیست نفر پنج نفر انتخاب شود ما
یک نفر از آنها را که انتخاب کردیم ۱۹ نفر باقی میماند
و باز آن يك نفر که انتخاب کردیم استعفا داده
آنوقت از ۱۸ نفر انتخاب خواهد شد پس مراد این
است که هم تکمیل ۲۰ نفر را باید کرد یعنی اگر
کسی فوت می کند میشود تکمیل کرد لکن اگر
باقی باشد دیگر اصحاب روال ۲۰ نفر نمیشود ولی
اگر باقی باشد که درجه اول را قبول کرده باشد و
نمی تواند درجه دوم را قبول کند یعنی نمی خواهد
قبول کند یعنی ده نفر را معین کرده اند آنها هم
درجه اول را قبول کردند آنوقت برای درجه ثانی

بیکسی تکلیف کردند قبول کردند باز از عضویت باعتبار
درجه اولی که نمی افتد بقی میماند این اشکال نیست
فقط بیست نفر را باید معین کنند غیر از موت اگر
استعفا بدهند گویا اشکالی ندارد در هر دوره بیست
نفر این طور باید معین کنند یعنی با عدم فیدرمدن
اما در صورت قبول نکردن تعدیل برهمه ما است
آنچه در قانون اساسی نوشته که از بیست نفر پنج نفر
را انتخاب کنند دلیلش این است که بیست نفر را معین
میکنند و در هر دوره از آن بیست نفر پنج نفر معین
کنند و بهینقدر استعفای خود را در آن وقت میگویند
بگوئیم که اینها ۱۷ نفر یا ۱۸ نفر باید که تکمیل
شود این ایراد شاهزاده محمد هاشم میرزا را بنده
قبول ندارم و کمان نمی کنم محل داشته باشد
بهجت - اولاً می خواهم سؤال کنم که
حالا موقع انتخاب است یا خیر و جزء دستور هست
یا نه .

رئیس - بلی جزء دستور هست اگر چه
بنده موافقت دارم با آقای حاج سید ابراهیم ولی
چون اشتباه کردند لازم میدانم عرض کنم وارد منحن
حضرات آیات الله چنین معلوم می شود که عموماً بعضی
انتخاب می شود چون در تلگراف ایشان تصریح
شده است پس این دلیل نمی شود که ایشان هم با
این ایراد همراهند و دیگر اینکه همه از فوت
مرحوم حجه الاسلام بهمانی بار ما شروع کردیم
با انتخاب علماء و اینکه ما معین کردیم این سابقه می
شود برای این عمل و همان کافی است که انتخاب شود
و خیلی از انتخابات که شاهزاده محمد هاشم میرزا
تعمیل کرد بفرقه اس بیار می بینیم که از آنها
ها اگر يك نفر از عضویت درجه اول استعفا میداد
انتخابات درجه دوم را می گفتند باطل است تجدید
انتخاب درجه دوم را بجز اول میکرده اند و این
را اگر رجوع کنیم با انتخاب نامه های و کلام محترم
می بینیم قالب از نمایندگان همین قسم انتخاب
شده اند و این مشقه بطور جریان طبیعی گذشته است
و باید بهین طور معمول شود و معذرا لازم نیست
باید رای گرفت .

وزیر پرست - اینجایک اختلافی هست اگر
نوعی می فرمودند اظهار شاهزاده هاشم میرزا اظهار
صحیحی است يك اختلافی هست میان درجه اول
و درجه دوم و کلا چرا برای این که درجه اول
نمایندگان دخالت دارند در درجه ثانی
خودشان یعنی بایستی رای بدهند در صورتیکه در
این مورد منتخبین درجه اول دخالت در انتخاب
ناهی ندارد بلکه بیه است برای نمایندگان پس
آنکیکه استعفا می دهد آن خودش که نمی شود
منتخب شود و خودش هم مدخبت در درجه ثانی
ندارد که او را انتخاب کنیم پس بایستی که عرض
او را در مبدع معین کنند و بعد همان آقایان بنیاد
است و تا يك اندازه که اطلاع دارم بمقیده بنده این
مورد را بنا آن مورد نمی شود مشابه قرار داد و
می بایستد هر کسی که استعفا میدهد از درجه
اول عوض آن را معین کنند که مجلس آنوقت
انتخاب کند .

کاشف - این اشکالی را که از آقایان
نمودند در انتخاب علماء بنده عرض می کنم این اشکال
در قره وارد نمی آید بجهت اینکه اگر انتخاب میشد
اشکال داشت ولی در صورتیکه فرقه است هیچ موقع
اشکال نیست و بنده تقاضا می کنم از مجلس همان
طوری که آقایان آیات الله دستخط فرمودند راجع
با آقای آقا شیخ اسمعیل است اگر آقایان صلاح
می دانند بالاتفاق ایشان را انتخاب کنند و بگذرد
حاج شیخ الرئیس - بنده گمان می کنم
اشکالی را که شاهزاده هاشم میرزا تقریر کردند
و اردن باید و مانع این انتخاب نشود بهیچوجه نمی توان
این ترتیب انتخاب علماء خسه را بمقایسه منتخبین
درجه اول و ثانی قرارداد این قباس منع الفا ق است
بلکه مثلی برای حاضرین ائمه آقایان عرض کنم
مثل این است که از طرف اهالی طهران يك جمعی
بمقامات عالی و مرکز روحانیت اسلامی بنویسند که
در طهران ما بچند نفر از نمایان مسائل و اهل علم
از صاحبان فتاوی رجوع می کنیم و این مسائل نا اتم
ایشان بر حسب اطلاعاتی که دارند ۲۰ نفر را معین
میکنند و هر کدام در يك محل و يك جانی هستند
که ما این ۲۰ نفر را لایق مردانیم صلاح می دانیم
که اینها مسائل دینی بشما بیاموزند شما با آنها
نماز کنید تصدیق بر هدایتشان و موافقتشان بشود
حالا اگر گرفتیم ۱۵ نفر از آنها ارتحال کنند بنده
با ارتحال هم همراه نیست تا چه رسد با استعفا اگر
این چند نفر استعفا از وظائف مقرر بدهند و بگویند
ما نماز جماعت نمی خوانیم آن چند نفر دیگری که
باقی است بقیبا آن چند نفر دیگر نیستند بلکه
همان اشکالی که می فرمائید که اگر منحصراً بنده
به پنج نفر لازم می آید پنج از پنج بنده عرض می
کنم (القره لکل امرشکر) بعد از اینکه اشکال
از بیان رفت بقیبا پیدا می کرد و بدون فرقه معین
می شود .

آقا سید حسین قهشقه - گویا مطلبی را
که آقا فرمودند فی الجمله مطابق با عرض بنده بود
با يك فی الجمله توفیری مناسبه این انتخاب با انتخاب
درجه اول و دوم اینها مقایسه مع الفارق است آنچه
و جاهای دیگر اثر بر ذات موضوع باید بشود در این
انتخاب اثر بر صفت باید بشود یعنی ۲۰ نفر علمائی
را که معین کردند بواسطه دارائی شان این مرتبه
خاصه را اگر بآزده نفر از این بیست نفر برونند
باز این پنج نفر معین هستند بجهت اینکه آن صفتی
که ملحوظ است در ایشان توجوه است یعنی این پنج
نفر باید از این بیست نفر بیرون نباشند بجهت این
که پنج نفر دارای این بیست نفر هستند و بهین
طور گفتند اگر انتخاب ثانی متعلق ذات باشد یعنی
خود موضوع مدخلیت داشته باشد نه صفت و آن
صفتی که ملحوظ است در عرض و حافظت آن بیست
نفر در این پنج نفر موجود است نه نفر استعفا بکنند
باز آن دوتفر را باید انتخاب بکنند و همین است
پنج نفر از بیست نفر البته تا یکی مرد با استعفا کرد
عوضش از همانها باید معین کرد و اما تلگرافی که
آیت الله فرمودند این را دیگر راه نظرش را باید

تعمیل آتوبن کرد البته چه عیب دارد یا باید زمانظرش
را از خودشان بر سید گذشته از اینها این صحبت
هائی که آقایان فرمودند اسباب تعجب مطلب در
هر امری می شود و امورات کلیه پارلمان در بونه
اجمال ترموین می افتد بجهت اینکه این چهار نفر که
استعفا دادند و دوتفر فوت شدند چقدر مطلب در
بونه ترموین و اجمال مانده و فوائیدی که ببرکت آنها
باید مملکت مبانی پیشرفت کند در بونه اجمال مانده
است البته از این بیست نفر میگردند استعفا میدهند
نباید امور را معطل کرد و این مسئله باید عقب نیندند
تا زمانی که تعیین فرمایند و ملاحظه فرمایند که هر
عصری مثل این عصراست بسامی شود که علمائی که
مرجع تقلید هستند در بلاد مختلف و متفرق باشند
بواسطه اختلاف آنها نظرهاشان مختلف باشد و الا
تا زمانی که از این بیست نفر حیات دارند باید از این
بیست نفر انتخاب شوند .

وزیر پرست - اگر چه بنده حتم نیست که
داخل در این مذاکره بشوم ولی شاهزاده محمد
هاشم میرزا این اظهاری که کرده اند صحیح است
و مسئله قانونی باین خوبی که آیات الله پیشنهاد
کرده اند و عجب می کنم که آقایان از ایشان شهبه
پیدا شده است گویا واقع و حق همین بوده است که
آقایان آیات الله پیشنهاد کرده اند و اینکه آیات الله
نظرشان از اول چه بوده است اگر نظر باین بوده
است که مبدع خیال تعیین راداشتند پنج نفر را معین
می کردند مام قبول می کردند چرا گفتند بیست
نفر را معین کنند و آنوقت اختیار بدهند يك هیئتی
که نمایندگان ملت هستند که آنها پنج نفر از آن
بیست نفر را انتخاب کنند این چه چیز است این يك
حقی است که بنمایند گمان ملت داده اند همین طوری
که ما با آنها حق داده ایم آنها هم با حق داده اند که
پنج نفری از این بیست نفر را انتخاب کنیم و این
فرمایشات که فرمودند گویا اشتباه است برای این
که امروز من يك نماینده هستم که میخواهم انتخاب
کنم از بیست نفر و این حق نظری که بمن داده اند
شاید بنده نظرم بآن پنج نفری که باقی مانده است
نیست یعنی آن حق نظری که به بنده از روز اول
داده اند اعمال می کنیم و آن پنج نفر را بنظر خودم
صلاح نمی دانم و اکثریت هم در مجلس پیدا نمی شود
پس باین جهات و این نظریات بنده گمان می کنم
که حضرات آیات الله خوب بعضی قانون را درك
کرده اند و بهین جهت هم هست که بعضی آن اشخاص
که رحلت کرده اند معرفی نموده اند و باید هم معرفی
بکنند فقط آن نظری که بنده دارم چنین گمان
می کنم با بصیرت و آگاهی که حضرات آیات الله در
باره اشخاص دارند زود ممکن است که عوض دوتفر
مرحوم و معرفی نمایند بنده باین که جزء و کلا
نیست استعفا می کنم که این رای بنده را مثل رای
یکی از کلا قبول کنند و این که حضرت آیات الله
معرفی کردند آن يك نفر را قبول کنیم و همین طور
هر چه از این اشخاص استعفا دادند عوض آنها را
معین کنند بعد کلا آن پنج نفر را از بین ۲۰ نفر
انتخاب نمایند و دیگری از قبیل خود حضرت آقا که
انتخاب شده اند از عده ۲۰ نفر کنار برونند و الا

عوض آنهائی که استعفا داده اند یا نوات کرده اند
حتماً باید عوض آنها انتخاب شود .
آقا شیخ حسین یزدی - این مذاکره و
میشود مثل این که يك نظامنامه برای این ماده دوم
نوشته اند و حالا میخواهم بهینم که برای هر يك از
نمایندگان چه چیز است بمقیده بنده صحیح نیست تا
وقتی که نظام نامه نوشته نشده است گمان بنده این
است که با یکی از این ترتیبات عمل کنید که مخالف
با این ماده نباشد اگر آقا شیخ اسمعیل را معین کرده
بودند اما انتخاب می کردیم و صحیح بود چون مخالف صریح
میشود با این ماده نظری بود بعد از آنکه نظام نامه
آمد شاید این را که گفتیم خلاف قانون باشد ولی
امروز این خلاف نیست اگر امروز جزء نمیکردیم
و بعد میخواستیم جزء کنیم یا اینکه تعیین کرده
باشند هم باز خلاف قانون نیست حاصل این است
که مثل کارهای دیگر این است که يك قانون اساسی
نوشته و هر ماده هم از مواد آن که باید صریح نوشته
شود نشده است حالا چه می کنیم هر چه منافی با
قانون اساسی نیست عمل می کنیم بنده عرض می کنم
بعد از اینکه نظامنامه در این باب تقدیم مجلس شد
و نظریات و کلام در آن باب معلوم شد آن وقت
مذاکره میتوان کرد شاید اگر بعد از این هم صحبت
بکنیم بیست فرض دیگر هم بنظر می آید حاصل
عقیده بنده این است که همین آقا شیخ اسمعیل را که
معرفی کرده اند و چون مخالف صریح قانون اساسی
نیست بپذیرید و او را انتخاب کنید و بعد که نظامنامه
نوشته شد این مذاکرات بشود و الا این مذاکرات
امروز فایده ندارد حالا بنده برای این مذاکرات

آقا خاوا اعظمین - بنده هیچ تصور حضرت
والا در اینجا بفرمایم بلی نص قانون اساسی صریح
است بر اینکه در وقت تعیین هیئت پنج نفری بیست
نفر را علمای مرجع تقلید ششمین مجلس شورای ملی
معرفی می نمایند و بعد مجلس پنج نفر را از آن بیست
نفر با اتفاق یا بقره انتخاب کند ولی در قانون
اساسی نوشته است که اگر چنانچه دو نفر ع
نفر چهارم یا پنج نفر با قره انتخاب کردند از بین
آنها دوتفر از آنها استعفا دادند با یک نفر از آنها
از دنیا رحلت کرد برای تعیین آن دوتفر مستعفی
باز محتاج باشد به اینکه حجج اسلام يك هیئت بیست
نفری دیگری بمجلس معرفی بکنند که آن دوتفر هم
باید از بیست نفر باشد در قانون اساسی چنین چیزی
نمیگوید که دوتفر معقلاً باید از میان بیست نفر انتخاب
شود یا اینکه اگر یک نفرشان رحلت کرد برای تعیین
آن یک نفر ما باید صبر کنیم که باز بیست نفر معرفی
بکنند آنوقت آن یک نفر را از میان آن بیست نفر انتخاب
کنیم بلی در وقت انتخاب پنج نفر باید از میان
بیست نفر باشد اما همین يك نفر یا دوتفرشان نمیشود
از میان هفده یا هجده یا نوزده نفر مگر اینکه بیست
نفر کامل باشد آنوقت ما بتوانیم آن یکی را انتخاب
بکنیم همچو چیزی در قانون اساسی نیست و فایده
که برای این کار تصور میشود این است که ما بتوسیم
با آنها و تا انتخاب بکنیم یک قدری انتخاب این هیئت
محترم تعویق خواهد افتاد بجز این تعویق فایده
دیگری نمی بینم و يك سؤال دیگر بنده می کنم

از آقایان که چنانچه بیست نفر را آمده بشما معرفی کردند و شما پنج نفر را از آن بیست نفر انتخاب کردید بعد از میان آن پنج نفر دو نفر مستغنی شدند و ما بیسیج عرض کردیم که چون دو نفر مستغنی شدند بیست نفر دیگر را با ما معرفی کنید که ما عرض دو نفر را انتخاب کنیم اگر با فرمودند که ما کسی دیگر نمی شناسیم ما باید بگوئیم که ابتدا ناچاریم تا بیست نفر را معین بکنند نمی توانیم عرض این دو نفر را انتخاب کنیم و آنکه حضرت والا اشتباه کردند این مسئله انتخاب نیست مسئله فرقه است فرقه دیگر ترتیب این چیزها را ندارد .

وزیر پست - بنده خیلی تعجب میکنم که آقای افتخار الواعظین بعد از این همه مذاکرات هنوز موضوع مذاکره و اشکال را دوک فرمودند میفرمایند که برای یک نفر یا دو نفر باید بیست نفر علیحدگی تعیین شود کسی چه عرض را کسی کرد گفتند نواصی آن بیست نفر را باید معین بکنند دیگر آنکه مسئله فرقه است که فرمودند این است اول حق انتخاب دارند که اتفاق آراء در انتخاب او معین شود مثل آنکه آقای آقا شیخ اسمعیل را معرفی کردند ممکن است که با اتفاق آراء انتخاب کنند پس بهتر این است که هفتاد هشتاد نفر رای بدهند درباره یک نفر که با اتفاق انتخاب شود تا اینکه بقره معین شود .

[در این موقع پیشنهادی از طرف آقای معاضد الملک قرائت شد]

آقای محمد میر و جردی - بنده عرض میکنم اگر بنا بر این باشد که یکی از آقایان استعفا داد یا رحلت کرد و بجای او باید دیگری انتخاب شود مگر فرمودند انتخابش نفر ما را نمیکند باین معنی که ما مگر نگفتم که باید از بین آنها پنج نفر انتخاب شود پس بنا بر این وقتی که یک نفر یا بقره مستغنی شد یکی باید عوض او معین شود و بعد از برای نفر ثانی دیگری را باید معرفی کنند بالاخره میرسد اینجا که پنج نفر انتخاب کنند و اینکه بقره معین میشود برای این است که از بیست نفر خارج نشود همانطور که آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند اگر پنج نفر هم باقی بماند همان پنج نفر صحیح است

معاضد الملک - بنده تصور میکنم اگر باین ترتیب که دو ساعت ما مشغول مذاکره این اصل از قانون اساسی شویم بجای منتهی نخواهد شد بجهت اینکه این اصل قابل تفسیر است آقای محمد هاشم میرزا میفرمایند که هر وقت یک نفر از اینها فوت کرد از این بیست نفر نباید انتخاب کرد بنده بر عکس این عرض را می کنم که در قانون اساسی می نویسد در هر عصری بیست نفر از علماء را آقایان مجلس معرفی میکنند و عصر را ما بر روز اول تفسیر کردیم بدین ترتیبی که تا آخر دوره تقنینیه همان بیست نفر کافی است و این مسئله قابل تفسیر است باید این را بیک کمیسیون رجوع کرد که تفسیر کنند آنوقت رایورت بدهند مجلس و جمعی یا اکثریت قطع این مناقشه را بنماید و اگر بخوایم امروز این مسئله را مطرح مذاکره بکنیم ابتدا بجای منتهی

نخواهد شد و نتیجه نخواهد داد و دیگر آنکه ما يك قاعده داشتیم که بان عمل می کردیم چند نفر از این علماء مثل آقا شیخ باقر همدانی و دیگران یکی یکی استعفا کردند و ما هم عرض آنها را از همان اشخاص انتخاب کردیم تا این اشکال را بکنیم مدتی بتوقیر می افتد بنده تقاضا میکنم که با مثل سابق عمل کنیم و بگذرد یا این اصل دوم را رجوع به کمیسیون تفسیر تا اینکه از کمیسیون تفسیر رایورت آمد بمضمون آن عمل کنیم یعنی مجلسی رای خود را بدهد و عمل شود .

آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده در خصوص فرمایشات شاهزاده محمد هاشم میرزا در باب متوفی مرضی ندارم البته يك نفر که فوت کرد باید عرض معرفی شود ولی در استعفا عرض میکنم اگر از نمایندگی استعفا داده اند که باید بجای آنها انتخاب شود و اگر از منتهی استعفا داده اند که باید عرض ایشان از معینه معین شود .

ادیب التجار - اگر میخواهند مذاکره باز بکنند بعد از دو ساعت دیگر هم نتیجه نخواهند گرفت پس رای بگیرند که مذاکرات لازم است یا غیره .

کاشف - بنده پیشنهادی کرده ام تقاضا میکنم خوانده شود .

رئیس - پیشنهادی که شما کردید فرق است فیما بین این پیشنهادی که شده است بعد از اینکه این مسئله حل شد آتوق باید در این پیشنهاد سر کار رای گرفته شود حالا رای بگیریم که کسانی که مذاکرات کافی میدانند قیام نمایند - اکثریت نشد معلوم است مذاکرات لازم است .

لواءالدوله - ایرادی که شاهزاده محمد هاشم میرزا نمودند بمقیده بنده اینجا وارد نیست بجهت اینکه وقتیکه آن بیست نفر را معرفی کردند احتمال نبود که وقتیکه میخواهند انتخاب کنند نفر یا پنج نفر از آنها استعفا بدهند پس باین معنی می افتد بدو نفر دیگر و همین طور تسلسل پیدا می کند تا دوره دیگر کدام این است که این طور می گوئیم اگر بخوایم عمل کنیم طوری شود که تا يك دوره تا دو سالیکه ما می خواهیم از این آقایان انتخاب کنیم بواسطه فوت استعفا نمی توانیم انتخاب کنیم عقب می افتد اگر لازم بود قانون اساسی نوشته بود هر گاه دو نفر از آنها فوت شد استعفا داد بعرض آنها دو نفر یا يك نفر باید معین کنند در صورتیکه سه نفر انتخاب کردیم عده شده است ۱۷ نفر بعد دو نفر فوت کرده اند شده است ۱۵ نفر پس نه انتخاب آنها صحیح است نه انتخاب آنها بی که بعد خواهند آمد .

محمد هاشم میرزا - اولاً خاطر آقایان مسبق کردید که اشتباه نباشد گمان با انتخاب بود این اگر نبود البته اشتباهی است و خداده و این ایراد را بنده از سابق کرده بودم و حالا هم عرض میکنم اگر که این است که فوراً بجواب های غیر منطقی و استجسائی کرده میشود یکی می گوید اسباب توقیر میشود یکی می گوید وقت مجلس هدر میرود بنده که مهمل نمی گویم که وقت مجلس هدر میرود باید

گوش بدهید و جواب بگوئید یکی از آقایان میفرمایند که وقت تنگ است بنده عرض میکنم که کار باید صحیح باشد به توقیر وزود و دیر که نمی شود کار کرد باید ملاحظه نکات قانونی را هم کرد همی می گویند که چرا رای نمیدهد وقت وعده کافی است قانون اساسی که سهل است يك اشکالی برای نظامنامه داخلی میشود که باید کاملاً موافق مدلولش اجرا شود آقایان برمیگزینند که نظامنامه بخوانند دو ساعت مردم را معطل می کنند بنده مدلول يك ماده از قانون اساسی را نمی فهمم نباید بفهم آقای شیخ الرئیس که میفرمایند که این از قبیل این است که آقایان چند نفر را معین کنند برای اجتهاد یا برای امور حسبه خیر این طور نیست که آقایان هر عده را بخوانند معین کنند باید بیست نفر را آقایان معرفی کنند نه اینکه هزار و پانصد نفر دیگر را این طور نیست اما اینکه آقای افتخار گفتند که از ۲۰ نفر يك نفر را انتخاب بنمایند این طور نیست گویا ابتدا عرایض بنده را نه آن روز نه امروز درست گوش ندادند که عرض بنده چیست بنده می خواهم این دستخط حضر آریات الله را اجرا کنم و همچنین آن دستخطی که در باره آقای بیرجندی شده بود والا شما در يك مجلس دو مطلب متناقض را چه طور خواهید رای داد و اینکه آقای معاضد الملک میفرمایند که در عصری از اخصار مقصود دوره تقنینیه است که در اول دوره که بیست نفر را معرفی کردند همان تا آخر صحیح است پس آقای بیرجندی را که در سه ماه قبل معرفی در دوره معرفی شدند و هم چنین الان که این آقای شیخ اسمعیل را معرفی نمایند دلیل است بر عرایض بنده اگر همان ۲۰ نفر اول است و باید هیچ دخل و تصرف در آن نشود چه طور انتخاب این دو نفر را می آورند به مجلس اگر باید باشد عرض بنده صحیح است پس چرا دیگران معین نمیکنند ملاحظه بفرمائید تگراف آیات الله خوانند و دیدند و اینهم کافی است که میخوانم (قرائت نمود) هلت انتخاب آقای شیخ اسمعیل این است می فرمایند چون آقایان متغیبن نصف استعفا از توجه بهر آن دارند جناب مستطاب قره العین جلیل آقا شیخ اسمعیل را معرفی میکنم و اگر نظرشان باین نبود چه جهت داشت که میگفتند اینها را انتخاب نمائید والا میگفتند که کنیم عقب می افتد اگر لازم بود قانون اساسی نوشته بود هر گاه دو نفر از آنها فوت شد استعفا داد بعرض آنها دو نفر یا يك نفر باید معین کنند در صورتیکه سه نفر انتخاب کردیم عده شده است ۱۷ نفر بعد دو نفر فوت کرده اند شده است ۱۵ نفر پس نه انتخاب آنها صحیح است نه انتخاب آنها بی که بعد خواهند آمد .

وکیل التجار - بانی يك فرقه عرایضی که بنده داشتم اظهار داشتند و آن این است که در اول انتخاب که ما خواستیم انتخاب کنیم اگر نظر آقایان باشد در وقت آقا سرد عبدالله يك تردیدی داشتیم و در خارج ایرانیک کرامتی داشتیم از طرف آقایان که قبل از فوت آن مرحوم يك نفر را معرفی کردند و اتفاقاً وقتی آن انتخاب اینجا رسید که آقای آقا سید عبدالله شهید شده بودند و آنوقت باقی را انتخاب کردیم و آقایان شاید نظرشان باشد و همین طرز که

است بنده که این عرض را کردم يك لحاظ منتخب و يك لحاظ منتخب است بجهت اینکه اینها دو لحاظ و دو وجه و دو نظر دارند لهذا از اول که استعفا دادند این یا از درجه اول است یا اینکه بگرنه میگویند باین لیاقتی را که بجهت انتخاب شدن داریم این را نمی رویم و نمی کنیم این کار اولی آن حق را که ملت بشما داده است که وکالت در توكیل غیر است آن را عمل نمیکند اولاً حق دارند که اینجا انتخاب شوند و حق دارند که از میان خودشان انتخاب کنند تمام ولایات هم منظور بوده است اگر به اعتبار نامه و کلیات رجوع بکنیم تمام مواد نظامنامه اعتبارات نوشته شده است و ملاحظه شده است هیچ اشکالی بر انتخاب نمایندگان ملت فرمایند که آنها را بر حق خودشان انتخاب نمی کنیم بنده اطلاع ندارم اما اگر ایشان اطلاع دارند بنده برای اطلاع ایشان معارضه ندارم اگر باز اطلاعات عمومی و تعیین انتخاب شود بنده عرض ندارم و اینکه فرمودند بیک کمیسیون تفسیر برود خیلی صحیح است و بهتر از این است که بطور مبهم بگذرد و بعضی آقایان مقیده شان برخلاف بنده است مثل اینکه اظهار کردند که عقیده شان برفوت است نه با استعفا از این جهت بنده عرض میکنم یعنی عقیده بنده این است که در موقع هر انتخاب اول باید برای بگیریم اگر اتفاق حاصل شد آن وقت فرقه برزیم و این کار را هم ما در روز اول کردیم یعنی فرقه زدیم بنده باین مخالفم باید آقای آقا شیخ اسمعیل و آقای بیرجندی هم جزء آنها باشند و بقیه را هم آقایان معین کنند که آنوقت ۳ نفر دیگر از آقایان را انتخاب کنیم که محتاج بقره نباشد مثلا آقا میرزا سید محمد که منتخب شد آنوقت باید فرقه زد نه اینکه در شش ماه قبل خواستیم انتخاب کنیم اتفاق حاصل نشد باینکه مرحوم حاج میرزا زین العابدین انتخاب شدند بقیه را بقره انتخاب کردیم ولی عقیده بنده این است که دوباره باید انتخاب شود در صورتی که اتفاق حاصل نشد آنوقت باید بقره معین شود نه اینکه بطلبیه و مغالطه رد کنند که دیر شد اذان گفتند و توب ظهر را انداختند اینجا جواب بنده نیست اینجا جواب منطقی نیست جواب منطقی که بنده را نابع کند بدهید و از امروز نه حالا ما باید تحقیقات کرده باشیم که درست این انتخاب که نظر به اطلاع از مقتضیات زمان باشد بعمل بیاید زیرا بنده بران انتخابی هم که شده است ابراد دارم (کاشف) - اظهار کرد که در این خصوص پیشنهادی کرده ام خوانده شود .

رئیس - در این خصوص که آیا از ۲۰ نفر سابق میتوان انتخاب یا بعد از تکمیل بیست نفر این پیشنهاد آقای کاشف پس از تعیین این اشتباهات میشود عاجلاً موضوع همین است که آیا باید بیست نفر تکمیل شود یا این که از همین بیست نفر انتخاب شود .

وکیل التجار - بانی يك فرقه عرایضی که بنده داشتم اظهار داشتند و آن این است که در اول انتخاب که ما خواستیم انتخاب کنیم اگر نظر آقایان باشد در وقت آقا سرد عبدالله يك تردیدی داشتیم و در خارج ایرانیک کرامتی داشتیم از طرف آقایان که قبل از فوت آن مرحوم يك نفر را معرفی کردند و اتفاقاً وقتی آن انتخاب اینجا رسید که آقای آقا سید عبدالله شهید شده بودند و آنوقت باقی را انتخاب کردیم و آقایان شاید نظرشان باشد و همین طرز که

گفته شد دلیل این که برای چه آقایان معین که خیر شدند از قوت آنها عوضی معین کردند و اگر لازم نبود نباید معین بکنند زیرا اگر لازم نباشد این دو نفر را هم مانعی توانیم بپذیریم و هم نباید آن اولی را که اسمشان نظرم نیست نباید بپذیرفته باشیم و هم آقای آقا شیخ اسمعیل را نمیتوانیم بپذیریم چون این يك چیزی است که ما باید ملاحظه کنیم حالا بنده بمقیده ام که هیچ کدام از این دو شخص را نمیتوانیم عمل بکنیم ولی عقیده چیزی است که نمی توان اظهار کرد این يك اشتباهی است و اختلاف بزرگی است در میان نمایندگان گمان که بقاعده و قانون و بموجب یکی از اصول قانون اساسی باید عمل بکنیم باید رجوع شود و بتوضیح و توضیح او هم با خود نمایندگان است بنده عقیده ام این است که چون امروزه يك قدری وقت مجلس را ضایع کردیم يك روز دیگر هم مبلغی وقت مجلس را ضایع می کنیم خوب است این مسئله را هم در همان کمیسیون تفسیر توضیح و تشریح بکنند و رایورت او را روزی بمجلس پیشنهاد کنند که مجلس هم نظریات خودش را بکنند و يك نکته دیگر اصاصاً می خواهم عرض کنم که این بمقیده شخص بنده خیلی بیجهت است که ما همیشه عادت داریم برای قوانین و مطالبی که خیلی لازم است زود خسته می شویم در مذاکرات آقایان باید ملتفت باشند که معنی شورا چه چیز است ممکن است از این ۲۰ نفر ۸۰ نفر هم اجازه بخوانند و آن يك نفری که در آخر نوبت باو میرسد يك دلایل صحیح داشته باشد که سایرین را متقاعد کند و آنوقت سایرین عقایدشان و خیالاتشان و آنچه که تصور کرده اند همین طور می ماند و بسا می شود که آنطوریکه باید در مطالب مذاکره شود يك عده برمی خیزند یا يك عده ورته سفید می دهند و يك عده ورته آبی فوراً رای می دهیم و بعد ملتفت می شویم در بعضی جزئیات که باید ملاحظه شود نشده است پس عرض میکنم در مطالب همه خصوصاً در وضع قوانین چه در موادش باشد چه اساس خسته نشوند باید گفت و شنید و شور کرد معنی شور این است که هر کس عقیده خودش را بگوید تا اینکه بيك ترتیب صحیحی معلومی شکاه شود و آنوقت وقتیکه تمام عقاید گفته شد رای گرفته شود نه این که ۲۰ نفر که اجازه خوانند و اظهارات خود را کردند از همین جا قطع کنیم غلط است بنده بکلی مخالف این قاعده هستم و این اساس معنی شورا را از میان می برد و غلط است .

شیخ ابراهیم زنجانی - بنده چون همیشه بیانم بر اخصار است سؤال از این آقایان می کنم که عرض این تعیین شده است یا باید تعیین بکنند اگر باید تعیین بکنند عوض مرحوم حاج میرزا زین العابدین تعیین نشده است اگر نباید تعیین بکنند عرض آقای گلپایگانی تعیین شده است هم تعیین کردن صحیح است هم تعیین نکردن صحیح است این ممکن نیست که هر دو را هم بپذیریم یا باید معین نکنند که یکی را معین بکنند پس چرا یکی را

معین کردند یکی دیگر را نکردند من حال هر دو را تشریح می کنم عرض گلپایگانی را که معین کردند پس باید تشخیص داد من مستغنی رانی گویم متوفی را عرض می کنم مرحوم حاجی میرزا زین العابدین که فوت شده عوض یکی تعیین شده عوض یکی تعیین نشده است اگر تعیین شدن صحیح است یکی نشده است تعیین شدن صحیح است که شده است در این چندین چه طور رای بدهیم .

مؤمن الملک - بنده گمان می کنم که اگر بخواهند فریب باختتام شود آن حدود اظهارات آقای معده هاشم میرزا حاج سید ابراهیم را گرفت اساساً معده هاشم میرزا اینطور اظهار داشت که آمده که باید انتخاب شود از بیست نفر باید معین شود این مسئله را بنده عقیده ندارم برای اینکه در ضمن جوابی که آقای حاج سید ابراهیم کردند همین مسئله که اگر ما بخوایم این پنج نفر را در پنج روز مختلف انتخاب می کردیم البته یکیش را در يك روز از ۲۰ نفر انتخاب میکردیم و نفر ثانی از ۱۹ نفر انتخاب میشد و دیگری از ۱۸ نفر این را تمام روی هم رفته نمیتوان قبول کرد شرط داد و این اظهارات حاج سید ابراهیم را نمی شود این طور قبول کرد متصور این است که آن عده اشخاصیکه معین می شوند باید از بین يك عده اشخاصی که محدود هستند انتخاب شوند حالا باید ببینیم که آن عده محدود معین چه قدر است بیست است یا کمتر در فرمایشی که آقای حاجی شیخ الرئیس تشبیه کردند انتخاب آقایان را و بعضی آقایان و کلاه گفتند اینهم که استعفا می دهند از منتخب شدن درجه اول است نه از درجه ثانی پس اگر ده نفر یا پنج نفر استعفا دادند یعنی از درجه اول استعفا بدهند این استعفا از ما باید کی است و در درجه اول باقی هستند پس باید عرض ایشان را انتخاب نمایند بنده عرض می کنم که این را م نمی شود چه طور اگر می خواهیم این فرد و شرط را ملتفت بشویم و بعد دیگر را ملتفت شویم باید ببینیم آن متن که قانون اساسی را نوشته مقصودش چه بوده است يك تناسبی برای آن اشخاصی که ما باید معین کنیم و آن عده که از اعتبارات عالیات با اینجا پیشنهاد می کنند يك تناسب بر دیده اند یا اینکه ندیده اند و این پنج نفر را فقط از ۲۰ نفر خواستند انتخاب شود بنده گمان می کنم که بيك تناسبی معنی در نظر داشته است پنج نفر نسبت به بیست نفر عقیده ام این است که تناسب يك چهار است که معین کرده است و در آن عده که بنده عرض می کنم به بیست می توانیم ببینیم آن عده اشخاصی که باقی مانده اند و قابل انتخاب هستند یعنی آنها که فوت شده اند و استعفا داده اند نسبت آنها باین عده که می خواهیم انتخاب کنیم چه قدر است مثلا سه نفر می خواهیم انتخاب کنیم (اظهار شد دو نفر باید انتخاب شود) دو نفر می خواهیم انتخاب کنیم اگر هشت نفر هستند میتوانیم دو نفر انتخاب کنیم اگر از هشت نفر کم است نمی توانیم انتخاب کنیم آن حد معینی را که بنده عرض کردم آن هشت است و اگر سه نفر را می خواهیم انتخاب بکنیم باید که ۱۲ نفر را داشته باشیم در این صورت يك قسمتی از اظهارات شاهزاده

محمد هاشم میرزا صحیح است ولی ایشان حد اکثر را برده اند بیست بنده عرض میکنم حد اکثر باید تناسب مابین هدهده که ما میخواهیم معین کنیم باشد یعنی اگر تناسب یک چهارم شد می توانیم و اگر نشد نمی شود انتخاب کرد .

رئیس - باز مذاکره لازم است گویا مذاکرات بقدر کافی شد حال در این پیشنهاد آقای معاضد الملک رای یک دهم خوانده شود (پیشنهاد به مضمون ذیل قرائت شد) .

بنده پیشنهاد می کنم بطوریکه از ابتدای دوره تقنینیه در باب انتخاب علمای اعلام عمل شده امروز انتخاب دوفتر بجای متوفی و مستعفی بعمل آید و اگر لازم باشد اصل دوم قانون اساسی را بکمسیون تقسیم دوتخت نظر گرفته ملاحظاتی خود را در این باب نوشته تقدیم مجلس نمایند تا رای مجلس مقدس در این خصوص برای آتی معلوم زمین شود .

رئیس - این پیشنهاد دو قسمت است یکی این که انتخاب این دو نفر را بعمل بیاریم و یک قسمت دیگرش اینست که این مسئله را بعد رجوع کنیم بکمسیون تقسیم حالا همان رای میگیریم که امروز این دوفتر را کافی السابق انتخاب کنیم یا خیر .

آقای میرزا احمد - در جزء اول پیشنهاد که امروز رای بگیریم بنده عرض میکنم آن دو نفری که معرفی شده اند داخل خواهند بود یا خیر اگر داخل خواهند کرد آنوقت بر حسب ترتیبی که آقایان فرمودند آنوقت پنج نفر از ۲۲ نفر انتخاب می شود و اگر داخل نکنند آن ترتیبی را که آقای مؤمن الملک فرمودند باز عمل نمی شود بجهت اینکه اگر فرضاً ما خواستیم بموجب قانون اساسی ده نفر انتخاب کنیم دارد در آنجا پنج نفر را بیشتر آیا آن وقت این میزان یک بر چهار است مثلا هشت نفر از بیست نفر خواستیم انتخاب کنیم پادوازده نفری که باقی است این یک بر چهار می شود پس این نظر برده روح مقنن خیر ندارد از این فرمایشی که آقای مؤمن الملک فرمودند و میزان پنج از بیست نفر جمع نیست بلکه پنج نفر انفرادی است یعنی هر یک را از بیست معین میکنند این انتخاب دو نفر از ۲۰ نفر است یا از ۱۷ نفر اگر انتخاب از دوازده نفر است بخلاف قانون اساسی است و اینکه آقای مؤمن الملک فرمودند صحیح نیست زیرا نسبت یک بر چهار نخواهد شد شاید ما خواستیم ده نفر را انتخاب کنیم .

رئیس - عرض کردم دوقتر بود این پیشنهاد یکی اینکه امروز این انتخاب بشود حالا در این باب رای میگیریم .

معاضد الملک - این اعتراض که آقای آقا میرزا احمد کردند صحیح است ولی اکثر رجوع کنیم به سابقه عمل سابق بطور عمل نمودیم یعنی ۲۰ نفر معرفی شدند بکنفره مرحوم شدیکی عوض از او همینها انتخاب شد اگر سابقه عمل رجوع کنیم باید انتخاب کنیم اگر مجلس بطوریکه سابق عمل شده تصدیق کرد که انتخاب میشود اگر تصدیق نکرد رجوع میکنیم بکمسیون تقسیم .

رئیس - کسانیکه با این قسمت اول پیشنهاد آقای معاضد الملک که امروز انتخاب بعمل بیاید موافقت قیام نمایند (اکثریت حاصل نشد) حال در آن خصوص

که امروز انتخاب شود نمیتوان مذاکره کرد رای میگیریم بر قسمت آخر که رجوع شود بکمسیون یا خیر (معاضد الملک قسمت آخری پیشنهاد خود را استرداد نمود)

رئیس - معلوم میشود در قسمت دوم باید مذاکره کرد .
رئیس - حالا در خصوص قسمت دیگر این پیشنهاد باید رای گرفت (بعضی اجازه خواستند که مذاکره نمایند) ملاحظه بفرمائید در باب این که امروز انتخاب میکنیم از مجلس رای گرفتن و رد شد دیگر نمیتوانیم در آن باب مذاکره کنیم حال در خصوص قسمت دوم این پیشنهاد که اینست بکمسیون تقسیم رجوع کنیم باید که رای بگیریم .

آقای شیخ محمد حسین یزدی - عرض من این است که یک نشئه این کار این است که یک نظامنامه برای ایشان بنویسد و بفرستند به کمسیون که از این دوره تقنینیه بعد بیاید این یک شق است یک نشئه این است که بگوئیم یعنی اکثریت مجلس رای بدهد که عوض متوفی و مستعفی باید انتخاب بشود اما اگر میخواهیم اینطور بشود نقش قانون اساسی و شرح قانون اساسی دو مسئله است بنده عقیده ام این است که حالا این چند نفر را معین نکنند والا اگر بنا بشود که در این خصوص مذاکره شود بنده عرض عرض می دارم و یک نظامنامه معلولی لازم دارد پس امروز باین دو نفر را تعیین نکنیم تا این که بعد بیینیم که عوض میتها باید تعیین شود که این دوفتر بجای آنها معین بشوند یا لازم نیست یا اینکه رای میگیریم که آقای شیخ اسمعیل را جزء بکنیم و بعد که چیزه شان دوفتر را انتخاب بکنیم در هر صورت اگر این مطلب رجوع شود بکمسیون تقسیم خلی طول خواهد کشید و این کار بطوریکه خواهد افتاد بلکه برای این دوره تفری ندارد برای دوره های بعد نتیجه خواهد داد و اگر هم فرضاً این است که آقایان این هیئت را بخواهند که آتیم مطلبی است .

رئیس - ملاحظه بفرمائید در آن قسمت اول که فرمودید امروز این دوفتر انتخاب شود رای گرفتن ورد شد دیگر نمی توانیم در آن خصوص مذاکره کنیم یا این که امروز انتخاب نمایم ولی در قسمت دوم این پیشنهاد که این مطلب بکمسیون تقسیم رجوع بشود باید رای بگیریم در این خصوص ممکن است مذاکره کرد .

معاضد الملک - بنده قسمت دوم پیشنهاد خود را مسترد میدارم .
رئیس - آقای معاضد الملک قسمت دوم پیشنهاد خودشان را پس گرفتند .

معین الرعایا - قسمت دوم پیشنهاد آقای معاضد الملک را بنده پیشنهاد میکنم .
آقا سید حسین اردبیلی - در این خصوص چون خیلی مذاکره شده تصور میکنم که آقایان انکارشان خیلی بسته شده و میل دارند که این مسئله را عیالاً مسکوت بدارند ولی عقیده بنده این است که این موضوع خیلی مهم است و اگر این مسئله حل نشود در آتی تولید اشکال خواهد کرد پس خوب است بقدر کفایت افکار و آراها ما گفته شود و بیینیم که در این خصوص تکلیف معلوم شود و نباید عجله بکنیم که زودتر این کار بگذرد و این

هیئت حاضر شوند بجهت اینکه بکنی دوفتر آقایان حجج اسلام که معین شده اند تشریف دارند و آن وظیفه را در همه گرفته اند و فیرا از ایشان هم سایر نقها و معتمدین هستند و قوت اینیکه میگذرد در معضد عمومی است و آقایان آتیا میبینند و اگر اندکی مخالفت داشته باشد مسلم است که اخطار خواهند کرد چنانچه مرحوم میرزا زین العابدین هم بگفتی اشاره فرمودند درباره یک ماده از قانون و همان سبب شد که آن ماده همینطور باقی ماند و این اصل از قانون اساسی یک ماده است که ما قبل از وقت وقتی که میخواهیم آنرا اجرا بکنیم بشکلات دوچار خواهیم شد و این هم چیزی نیست که در سایر ممالک عمل کرده اند بکنیم اینطور قانون دو هیچ ملک نیست مثلا عثمانی که یک دولت بزرگ اسلامی است در آنجا همچو قانونی معمول نیست و فقط در قانون اساسی مایک همچو چیزی نوشته شده است که پنج نفر از علماء بمضویت در مجلس قبول بشود پس باید در این خصوص خیلی مذاکره و مذاقه کرد و اینکه آقایان میفرمایند که این ماده رجوع شود بکمسیون تقسیم عرض میکنم که اینکار هم فایده ندارد برای اینکه این همان طوریکه آقای آقا شیخ محمد حسین فرمودند یک نظامنامه مخصوص متصلی لازم خواهد داشت که برای این کار باید نوشته شود تا اینکه اغلب اشکالات محتمله رفع شود و بالاخره بنده گمان میکنم که آن نظرات آقای محمد هاشم میرزا رد نمیشود مگر اینکه واقعا از آقایان آیات الله تکمیل عمل را بخواهیم تا اینکه بهمان طوری که قانون اساسی معین کرده عم کرده باشیم و باز توجه آقایان را بطلوف میکنم باین نکته که آقای آقا شیخ ابراهیم اشاره بآن فرمودند که اگر ما تکمیل این بیست نفر را لازم نداشته باشیم آنوقت بفرمائید آقای معاضد الملک معرفی این دوفتر نقض قانون اساسی خواهد بود بلکه بعقیده بنده میفرام عرض کنم که همانطور که حضرات آیات الله تا بعال دوفتر را یعنی یکی را در سابق و یکی را حالا معرفی کرده اند حالا اگر میخواهیم که هیچ اشکالی نداشته باشد خوب نیست رجوع بکنیم بهود حضرات آیات الله و اینکه میگویند طول میکشد چندان طولی ندارد برای اینکه تکلیف میشود در ظرف یک چند روزی تا دو جلسه یا سه جلسه دیگر این جواب را ممکن است گرفت و این که آقای شیخ محمد حسین فرمودند که بعضی ها هستند که می خواهند این هیئت بخواهد و در انتخاباتش تعویق بیفتد بنده خیلی اعتراض میکنم بفرمایش ایشان بجهت اینکه ما شاید خیلی مشتاق باشیم و خیلی آرزو داشته باشیم که این ماده قانون اجرا بشود اگر چنانچه این اشکال را آقای معاضد الملک میرزا فرمودند تا اکنون این اندازه مذاکره در این خصوص نباشد و انجام می گرفت و در هر حال بنده گمان میکنم که بهتر این است که این مطلب با آقایان حجج اسلام مراجعه بشود که ایشان رفع این اشکال را بپذیرند .

رئیس - حالا باین در این خصوص رای بگیریم که این مطلب بکمسیون تقسیم رجوع شود یا خیر .

حاجد کتربضاحان - بنده در خصوص رای عرض دارم - بنده بکلی مخالفم با اینکه این مطلب بکمسیون رجوع شود بجهت اینکه بجز به معلوم شده است که هیچ ماده قانونی بکمسیون تفسیر رجوع بشود و راپورت آن بیاید بنده که در این مدت هیچ ندیده ام که از این کمسیون یک راپورتی از مواد قانونی که با آنجا رجوع شده است بمجلس بیاید و هر مطلبی را که می خواهم پی نتیجه بماند می رود همین کمسیون مثل اینکه قانون معاسلات عمومی سه ماه است که از مجلس گذشته و برای یک ماده که باین کمسیون رجوع شده است همین طور ماده دست و تازه می گویند که راپورت را داده ایم به معبر شاید صلاح نمیدانند که آن راپورت بمجلس بیاید این مردم بیچاره چه وقت باید قانون داشته باشند و به همین جهت در خارج می گویند که اینها می نشینند و مذاکرات خارج از موضوع و بیفایده می نمایند بنده هم این کارها را تصدیق میکنم بواسطه این می بینم که بواسطه یک کلمه بمجلس و مجلسین یک قانونی را سه ساعت مهمل گذاشته ایم - حالا هم عرض میکنم که این هم می رود و مثل آنها می ماند و این اشخاص برای این دوره تقنینیه انتخاب نخواهند شد .

رئیس - رای میگیریم در اینکه این مطلب بکمسیون تقسیم رجوع شود کسانی که موافقت نمایند (درصد پیشنهادی از طرف آقای حاج شیخ علی فرات شد که این دو نفر که معرفی شده عرض دو نفر متوفی جز بیست نفر محسوب شده در جلسه آتی آن دو نفر انتخاب شود) .

رئیس - آقای سپیانی هم پیشنهادی کرده اند که تقریبا همین است رای میگیریم که اینک با این پیشنهاد موافقت نمایند [نتیجه مشکوک شد] .
رئیس - در جلسه آتی در این خصوص تعیین می کنیم که تکلیف چیست آقای وزیر جنگ فرمایشی داشتید بفرمائید .

وزیر جنگ - نسبت بایلات تا اکنون ما سوار نمائیم یعنی بطوریکه سایر جاهای ایران بطور بشیخه سرباز و سوار می دهند ایلات مانو کروسوار رسمی دولتی نداشتند و مدتی بود که این مسئله در مجلس شورای نظامی مطرح مذاکره بود و نتیجه بدست نمی آمد تا اینکه در چند روز قبل یک مجلسی کردیم با حضور چند نفر از رؤسا و سردار هشارو و کلاه آنها مثل آقای آتیه محمد خان و آقای حاج محمد کریم خان و از سردارهای بختیار هم دو نفر از حمت داده ایم و تشریف آوردند در این خصوص مذاکرات زیادی کردیم و در شورای نظامی هم خیلی مذاکرات شد امروز یک نتیجه از آن گرفتیم که پیشنهاد میشود اول به کمسیون نظام رجوع خواهد شد و در آنجا توضیحاتی لازم است می دهیم که انشاء بمجلس آمده و بگردد ولی اجمالا عرض میکنم که از می شانه واریت سوار معین کرده ایم و بطوریکه معین که معین کرده ایم ده هزار سوار ممکن است بمانند .

رئیس - در باب انتخاب علماء آقای آقا سید حسین اردبیلی هم یک پیشنهادی کرده اند ولی در جلسه آتی تکلیف آنرا معین میکنم حال چون

تجدید شعبات در جزء دستور است شروع میکنیم به تجدید آنها ولی آقای افتخار الواعظین پیشنهادی در این خصوص کرده اند قرائت شود (پیشنهاد مزبور قرائت شد) .
افتخار الواعظین - بنده پیشنهاد کرده ام که اسامی غائبی یعنی اسامی نمایندگان که در مرکز تشریف ندارند در وقت تعیین ذکر نشود و آقایانی که تشریف ندارند آنها با بالفعل در شعبات اسمشان وارد نشود برای اینکه تولید اشکال ننمایند و یک هیب آن این است که بسا میشود بواسطه اینکه آقایانی که تشریف ندارند تقسیم میشوند بشعبات و بواسطه قیبت آنها شعبات آتطوریکه باید نمی توانند کار بکنند مثل اینکه بنده که یکی از اعضاء شهبه رابع بودم این را امتحاناً دیدم که اسامی غائبین جزء شهبه رابع محسوب شده بود و شهبه چهارم اغلب اوقات بواسطه اینکه اغلب اعضایش از غائبین بودند اکثریت پیدا نمی کرد و برای مطالب لازم نمی توانست متعقد بشود و این هم در صورتی بود که اسامی غائبین متفرق شد بود بی شعبات ولی بنده عرض می کنم اگر چنانچه در وقت خواندن یک مرتبه اسامی غائبین در ذیل شهبه اول یا دوم یا سوم خوانده شد و تمام اینها در ضمن این شهبه جمع شوند آن وقت این شهبه فالج خواهد شد و همچوقت اکثریت پیدا نخواهد کرد و متعقد نخواهد شد آنوقت هر یک از آقایانی که غائب هستند هنگام ورود داخل شعبات خواهند شد و هیچ مطلبی هم نیست و شعبات هم از اکثریت نمی آید اما اگر یک دهم اسامی غائبین در ضمن یک شهبه جمع شد اکثریتش از بین می رود هیچ کاری نخواهد کرد .

حاجی عزالملك - اینجامده سیم نظام نامه داخلی می رسد رئیس موقت فوراً بمقام خود مجلس نموده پس از آن بحکم قرعه نمایندگان حاضر را بشش شهبه متساویه تقسیم میکنم این ماده تعیین می کند که نمایندگان حاضر باید بشعبات تقسیم بشوند و همینطور در باب کمسیونهای دائمی رجوع میکنند بماده سیم پیشنهادی آقای افتخار الواعظین موافق است باین ماده از نظامنامه داخلی و مخالفتی ندارد و رای گرفتن در آن لازم نیست .

سلیمان میرزا - چنین چیزی موافق با ماده سیم نیست - این ماده سیم برای رئیس موقتی و از برای آن شصت نفری است که در ابتدای افتتاح مجلس حاضر می شوند و همین طور که در ابتدای مجلس هم ذکر شد این راجع بسابقه است و اگر در نظر جنابعالی باشد این ماده مخصوص آن شصت نفری است که در ابتدا افتتاح مجلس حاضرند و مقصودش هم از این کلمه حاضر این است که اعتبار آنها آنوقت دایمه و رسیده گی نشده بنابراین نمی توانند بگویند که این شصت نفر تماما نماینده هستند از این جهت گفته اند که نمایندگان حاضر داخل شعبات میشوند و اگر بپذیرند از رسیدگی یکی از آنها اعتبارنامه اش رده او از آن شعبات

خارج می شود مثل اینکه در بدو امر بنده و آقای ممتاز الدوله را از عراق انتخاب کرده بودند و جزء این شعبات بودیم پس از آن مجلس اعتبارنامه های عراق هر دو را رد کرد زیرا که بدون ورقه انتخاب کرده بودند یعنی برای مخفی انتخاب نگردیده بودند و بنده هم از شهبه دوم از مجلس خارج شدم در صورتیکه ابتدا بموجب همین کلمه حاضر به بنده حق داده بودند که بنده باعتبارنامه سایرین رسیده گی نمایم از این گذشته لحظه قبل مذاکره اسابقه و سابقه را خودتان داخل در عمارات و قانون می دانستند چطور شد که در اینجا سابقه را ملاحظه نفرمائید و بدو چون میل شما این است که برخلاف آن رفتار شود این مذاکرات را میکنید والا تا به حال همین طور رفتار شده است یعنی اسامی غائبین هم در موقع تجدید شعبات خوانده شده است و هیچ این چنین مذاکره نشده است پس میلان است سابقه را قبول داریم و در هر موقعی که میل نداریم رد می کنیم و بالاخره عرض می کنم فرضاً که تمام عرایض بنده وارد بکنید تازه این یک پیشنهادی است که شده است و مطابق نظامنامه داخلی باید در قابل توجه بودن آن رای بگیرند بعد که قابل توجه شد برود بکمسیون مربوطه بآن و آن وقت از آنجا راپورتش بیاید بمجلس و بعد از آن که مجلس قبول کرد و بسا اکثریت در آن رای داد یک ماده الحاقیه بنظام نامه داخلی می شود و از آن روزیکه جزء نظامنامه شده مطاع و منبع خواهد بود و امروز با هم تکرار می کنم آنچه را که در روز قبل گفتیم که ما امروز بجهت نوزده روز است که وضعی حتمی خودمان را عقب انداخته ایم در صورتی که این حق را نداریم و نظامنامه داخلی دستور به صی از روز ها راپورت مامور کرده است مثل این که در ۱۴ میزان و ۱۴ جول معین کرده است بجهت تجدید انتخاب هیئت رئیسه است هیئت رئیسه نمی تواند بگویند که امروز باشد فردا هم باشد آخر دستور فراز دادیم اول دستور فراز دادیم با مطالب هم از این زیاد است و باید بطور الاهم فالاهم در آنها مذاکره کرد و همین طور تا شش ماه بعد عقب بگذارند و مطابق نظامنامه داخلی هر سه ماه باید شعبات تعیین شود و امروز چون شعبات جزء دستور است باید اول شعبات تعیین شود پس از آن هر یک از نمایندگان آزادند هر پیشنهادی که می خواهند بنمایند و آن پیشنهاد هم هر وقت که قابل توجه شد و مطابق قانون قانونیت پیدا کرد البته مطاع و متشیخ خواهد بود .

افتخار الواعظین - ماده دوازدهم نظام نامه داخلی را بفرمائید جواب حضرت والا را میدهد برای اینکه این ماده صریح است در اینکه انتخابات شعبات مطابق ماده سیم است .
معاضد الملک - ماده (۱۲) شعبی که بر طبق ماده سیم تشکیل یافته هر سه ماه بسه ماه بطور قرعه تجدید می شود مقصود عمدتاً از تشکیل این شعبات آن است که هر وقت مطلب یا لایحه یا طرح قانونی پیشنهاد میشود رجوع بشعبات بکنند که در آنجا ملاحظه و مذاقه شده و اگر تشکیل

باید در قابل توجه بودن آن رای بگیرند بعد که قابل توجه شد برود بکمسیون مربوطه بآن و آن وقت از آنجا راپورتش بیاید بمجلس و بعد از آن که مجلس قبول کرد و بسا اکثریت در آن رای داد یک ماده الحاقیه بنظام نامه داخلی می شود و از آن روزیکه جزء نظامنامه شده مطاع و منبع خواهد بود و امروز با هم تکرار می کنم آنچه را که در روز قبل گفتیم که ما امروز بجهت نوزده روز است که وضعی حتمی خودمان را عقب انداخته ایم در صورتی که این حق را نداریم و نظامنامه داخلی دستور به صی از روز ها راپورت مامور کرده است مثل این که در ۱۴ میزان و ۱۴ جول معین کرده است بجهت تجدید انتخاب هیئت رئیسه است هیئت رئیسه نمی تواند بگویند که این شصت نفر تماما نماینده هستند از این جهت گفته اند که نمایندگان حاضر داخل شعبات میشوند و اگر بپذیرند از رسیدگی یکی از آنها اعتبارنامه اش رده او از آن شعبات

کمیسیون لازماً باید هر يك از شهبانها پس از مذاکرات و مباحثات موافق شده که مجلس معین کرده است برای عضویت کمیسیون انتخاب کنند و نیز هر وقت که کمیسیون باید تشکیل شود رجوع بشعبات میشود که اعضاء آن را بین خود انتخاب میکنند مگر اینکه پرتیب ماده (۲۴) عمل شود و منشی هر شعبه مطابق ماده دوم انتخاب میشوند در مرقع مذاکرات یا انتخاب بدون اینکه نصف بملاوه يك نفر حاضر باشند رای نباید بدیده انقاد شهبانها و وقتیکه رئیس آن معین نشده است بر عهده رئیس مجلس است.

آقای میرزا احمد - بنده عرض می‌کنم که برای اینکه موافق با اظهارات آقای آقا سلیمان میرزا اینکه آقایان استدلال میکنند به ماده سیم و دوازدهم اینطور نیست برای اینکه آن وقتی که در این نظامنامه مذکور میشد بنده خود در مجلس بودم و اگر رجوع بصورت مشروح مجلس بکنید خواهید دید که کلمه حاضر به این معنی که ایشان تصور میکنند اطلاق نمی‌شود بلکه مراد این است که مثلا از صد ویست نفر نماینده که باید بیایند اینجا در اول پنجاه نفر ضمت نفر حاضر میشوند و همین که نصف بملاوه يك درمزر حاضر شدند مجلس افتتاح میشود و بعد از افتتاح رئیس موقت معین می‌شود و نماینده کاتبیکه حضور دارند شعبات شش گانه قسمت میشوند کلمه حاضر در مقابل آن اشخاص است که بنامه اند و هیچ نظری بآن کسانی که بعد از حضور غائب میشوند ندارد و هر وقت هم که در این نظامنامه مذکور میشد مراد از حاضر در مقابل بنامه ها بودند اینکه در مقابل غائبین بعد از حضور باشد و اگر بصورت مشروح رجوع کنید خواهید دید که همین طور است چنانچه آقای مؤتمن الملک هم آنوقت تشریف داشتند و اگر اینطور نیست ممکن است بفرمایند که این کلمه در مقابل غائبین بعد از حضور است پس در صورتی که این کلمه در مقابل اشخاص باشد که بنامه از این اشخاصیکه حالیه غائبند اینها را شامل نمیشوند بجهة اینکه اینها بعد از حضور غائب شده اند نه اینکه از اول غائب بوده اند و بنامه اند.

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم علی- ای حال این يك پیشنهادی است که شده است اگر آنطوریکه میگویند مطابق نظامنامه است که هیچ جای رای نیست و لازم نیست پیشنهاد بشود و اگر مخالف او است که البته باید برود کمیسیون مبتکرات و در آنجا در این خصوص ملاحظاتی کرده راپسورت بدهند و اگر و انما این يك اشتباهی است که حاصل شده است و باید در آن مذاکره کرد که خوب است این را بگذارد از برای جلسه بعد که ما هم مطالبات خودمان را بکنیم امروز که ذهن ما حاضر نیست این يك پیشنهادی است راجع بشعبات و شاید يك ماده دیگری در نظامنامه باشد که این پیشنهاد با او مخالف باشد و حالا که ما معلمان از آن مسجون نیست نمی‌توانیم در آن مذاکره کنیم برای بدیهیم از این جبهه بنده صلاح میدانم که این را بگذارد برای جلسه آتی و الا الان هر چه بگوئیم بی ترتیب و مطالعه است و نتیجه نخواهد داشت.

آقا سید جلیل - ماسابقه را شرط قرار دادن باندان راسب قرار بدیم و اینگونه مذاکرات میکنیم که بی جبهه وقت مجلس را تلف مینمایند همان

طور که قبل از این اظهار شده سابقه پیش ما مثل قانون است و این مطلب هم سابقه دارد که غائبین بعد از حضور را در شعبات داخل میکردند حالا اگر برخلاف این دلیلی دارند بگویند و اینهم مانع تجدید شعبات در امروز نخواهد شد . اگر تصور میکنند که قبیت آنها اسباب کار کردن شعبه خواهد شد ممکن است که همین آقایانی که در مرکز حاضرند هم در شعبه حاضر نشوند و شعبه نتواند کار بکند پس بعقیده بنده اینمذاکرات فایده ندارد و باید شروع به تجدید شعبات کرد.

آقای سید حسن مدرس - نظامنامه داخلی را بنده نادیده ملاحظه نکرده بودم از این جهت هم بود که ترتیبات داخلی مجلس و اداء وظیفه خود را درست بلد نبودم دیشب از باب اتفاق يك نث فریب بنصف از آن را ملاحظه کردم این بود که امروز محل ابتلاشه است فرض از این بیان و تشکیلات که که منقسم به پنج قسم باشش قسم میشوند واضح است که این نیست که بفهمند عده و کلا چندتر است بلکه فرض از این تشکیلات همانطور که در اول ماده ۱۲ نوشته است این است که يك يك مطلبی که محل ابتلا شد در آنجا ها مذاکره شده و نتیجه بدست بیاید و این ابدأ معقول نیست که حاضر بتواند با غائب مذاکره بکند یا اینکه بگوئیم کسی که غائب است حاضر است آن نه تقریبیکه در يك شعبه معین شده اند باید حاضر باشند تا اینکه با هم مذاکره بکنند و صلاح و فساد مطلبی را ملاحظه بنمایند و يك نتیجه بگیرند و در صورتی که از ده نفرش نفرشان غائب باشد صریح ماده ۱۲ است که مذاکره چهار نفر دیگر صحت و نتیجه ندارد و در اینصورت بنظر بنده این مطلب چندان اشکالی ندارد

ارباب کیخسرو - بنده نمی‌دانم چه عرض کنم که سه مجلس است که بنده میدانم وقت مجلس را صرف چه کاری کرده ایم و از وقتی که مجلس باز شده است اگر کسی از بنده پرسد چه کاری کرده ایم بنده نمی‌دانم چه جواب بگویم برای اینکه گذشته از اینکه کاری نکرده ایم اسباب بدبختی ملت خودمان را فراهم آورده ایم و بنده نمیدانم این استیاء در قوانین یکمرتبه در اینکه جلسه برای چیست استعدا میکنم از آقایان نمایندگان که ملاحظه بکنند که ما برای چه کاری در اینجا حاضر شده ایم و وظیفه ماها چیست اغراض را کنار بگذاریم اگر چه انشاء الله فرض نداریم بلکه عرضمان باید خیر و سعادت منی باشد و باید بدانیم که برای آنها کار میکنیم فقط عرض بنده همین بود.

کاشف - تقریباً پنج ساعت است که ما مذاکره میکنیم چنانچه بکنست از عراض بنده را آقای ارباب کیخسرو فرمودند بنده ملاحظه میکنم که در يك چیزهاییکه خیلی جزئی است و هیچ اهمیتی ندارد فرضاً اگر بگویند که هوا سرد است و باید آتش کرد فوراً جمعی برخلاف بر میخیزند و میگویند که خیر آتش لازم نیست این اظهاری که آقای افتخار الواعظین کردند بکنفر جواب نداد که مقصود چه چیز است مقصود از جمع شدن يك جمعی در يك شعبه و در يك جایی نتیجه گرفتن است وقتی که یکشعبه اکثریت پیدا نکرد یعنی اعضایش غائب بودند البته آن شعبه کار نخواهد کرد و نتیجه نخواهد داشت پس باید فعلا اشخاص را که حاضرند بشعبات قسمت نمودیم اشخاصی که غائب

ذکاء الملک - دکتر علیخان - کاشف - حاج آقا (شعبه دوم) افتخار الواعظین - آقای میرزا رضای مستوفی - مشیر حضور - میرزا اسدالله خان - آقا شیخ غلامحسین آقا سید جلیل - شیبانی - مشیر الدوله - آقا سید حسن مدرس - مستشار الدوله - حاج میرزا آقا - رکن الملک - سردار احمد - آقا شیخ جعفر - آقا شیخعلی شیرازی - آقا شیخ محمدحسین یزدی (شعبه سیم)

لسان الحکماء - آقا شیخ اسمعیل - مر الملک تقی زاده - حاج میرزا رضاخان - حاج امام جمعه - معزز الملک - مرتضی قلیخان بختیاری - آقا میرزا مرتضی نایخان - ناصر الاسلام - دکتر حیدر میرزا - دکتر اسمعیل خان - محمد هاشم میرزا صدر العلماء - انتظام الحکماء

(شعبه چهارم) آقا میرزا احمد - حاج محمد کریمخان - فهم الملک - رحبند الملک - آقا میرزا ابراهیم خان - متین السلطنه - سیهدار اعظم - آقا میرزا داود خان - معاضد السلطنه - حاج سید ابراهیم مدرس - بهجت - لواء الدوله - آقا سید حسین کرازی آقا محمد روبرجری - معاضد الملک

[شعبه پنجم] حاج دکتر رضا خان - طباطبائی حکمعلیخان - آقا میرزا رضا خان ناظمی - حاج رشیدعلی - دکتر اسمعیل خان - آدینه محمد خان ابوالقاسم میرزا - میرزا یاسی - حاج سید نصرالله مؤتمن الملک - نیر السلطان - آقا میرزا ابراهیم نمی - ادیب التجار - علی زاده

(شعبه ششم) آقا سید محمدباقر ادیب - آقا عبدالحسین - نجات - ممتاز الدوله - نفع الاسلام - نوری - سلیمان میرزا - آقا سید حسین اردبیلی - ضیاء الممالک - وکیل التجار - آقا شیخ ابراهیم حاجی وکیل الرعایا - تربیت - حاج مصدق الممالک ارباب کیخسرو

رئیس - فردا بنا بر تقاضای بعضی از آقایان طرف عصر جلسه خصوصی خواهیم داشت جلسه علنی پس فردا صبح دستور آن از این قرار است تعیین تکلیف انتداب علماء - شور اول در قانون عقوبات - شور دوم در بقیه قانون دیوان محاسبات . مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد .

جلسه ۲۰۴

صورت مشروح روز ۵ شنبه ۲۴ شهر محرم الحرام ۱۳۲۶

مجلس دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد صورت روز ۳ شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود (غائبین جلسه قبل) مستشار الدوله - میرزا اسدالله خان - دهخدا بدون اجازه غائب بودند - حاج محمد کریمخان - آدینه محمد خان - حاج امام جمعه - با اجازه آقای مشیر الدوله مریش - ممتاز الدوله - آقا سید محمد رضا - حاج آقا - آقا سید حسن مدرس در وقت مقرر حاضر نشدند .

رئیس - در باب صورت مجلس اگر ملاحظاتی هست بفرمائید . **آقا شیخعلی** - آقا شیخ اسمعیل را رشتی باید نوشت محلاتی نیست .

حاج عز الممالک - چنانچه در صورت مجلس نوشته بنده اخطار کردم مطابق ماده ۱۲ و ۱۳ نظامنامه داخلی اسامی اعضاء غائب در جزء شهبات نباید انتخاب بشود اولاً اخطاری که می‌شود موافق قانون نظامنامه داخلی رئیس باید جواب بدهد جوابی داده نشد و باعثتاد بنده فلسفه و تاریخ جواب نص نظامنامه داخلی را نمی‌دهد و اگر ماده ای بود که برخلاف این ماده ای که بنده اظهار کردم می‌بایستی خوانده شود و بعد شروع بانتخاب شعبه شود و بعد از آنکه اخطار شد و از طرف آقای رئیس اجازه داده نشد - و شروع بتعیین اعضاء شهبات شد در آن وقت اعضاء مجلس شورای ملی اقباب غائب بودند و بطوریکه باید عده کافی نبود برای اکثریت و کلیتاً رسمیت مجلس و باعثتاد بنده هر دو این مسئله بر خلاف قانون بود و انتخاب شهبات غلط است و می‌بایستی مجدداً انتخاب شود و باعثتاد بنده باید بموجب نظامنامه داخلی اعضاء حاضر مجلس باشندند

فائزین و اگر این مطلب رجوع بسابقه بشود همان جلسه بدیدم که ملاحظه سابقه نشد یعنی در آن جلسه دیدیم که انتخاب آقای نفع الاسلام به همین طوریکه حالا از بیست نفری که يك نفر کم بودند و يك نفر را هم آقای آیت الله معرفی کرده بودند و آن سابقه ما قبول نکردیم برای اینکه انتخاب دو نفر از علمای خمس بکنیم بالاخره برای مجلس موکول شد بنده تعجب میکنم که چیزی را که بنده اخطار میکنم در صورتیکه مطابق نظامنامه مجلس هم میشود می‌بایستی که رای مجلس حل بکند در صورتیکه مطابق ماده ۱۱۳ نظامنامه داخلی هر مطلبی که در مجلس مطرح شود رئیس می‌بایستی که رای مجلس را در آن خصوص کسب نماید و بعد شروع بآن مطلب بکند آنستله هم مراعات نشد و بعقیده بنده اینستله برخلاف قانون بود که در جلسه قبل رخ داد و لازم دانستم امروز که این را عرض کنم کدر حقیقت اخطار بکنم که آن انتخابات غلط است و باید دوباره آن شهبات تجدید انتخاب شود و اگر در موضوع سؤال بنده هم آقای رئیس جواب قانونی دارند بفرمایند

رئیس - در باب اینمذاکرات نظامنامه که فرمودید چون محل اختلاف بود اگر تشریف داشتید ملتفت بودید که مذاکرات بعمل آمد و معلوم شد که این متفق علیه نیست که اعضاء حاضر این معنی که شافرمودید دارا باشند باید اینستله حل بشود و اما در اینماده نظامنامه چنین معنی میدهد که اعضاء حاضر می‌بایستی در شعب انتخاب شوند و شاید عقیده خود هم این باشد که مراد از اعضاء حاضر آنهاست مستند کدر اینجا حاضرند لیکن بنده برای شخص خود نمیتوانم عمل کنم و اما اینکه فرمودید تعیین شعب وقتی واقع شد عده کافی نبود این را بنده تصدیق دارم یعنی وقتیکه شروع کردیم برای تعیین شعب عده کافی بود لیکن بزودی بعضی بیرون رفتند و عده ناقص شد حالا در صورتیکه مجلس این تعیین شعب روز قبل را کافی نداند تا نایب انتخاب میکنیم بنده حرفی ندارم برای با مجلس است .

محمد هاشم میرزا - عرض بنده این بود که در صورت مجلس شیخ محلاتی نوشته شده و حال آنکه رشتی است اصلاح شود . **ادیب التجار** - آن شب را در مرقعی که نزدیک بود مجلس ختم شود و بجهت شهبانها مذاکرات شد بعضی صحبت ها در اینجا بود که مفهوم این شد که يك قدری من ترسیم یعنی صحبت های تهدیدیه آمیز بود یعنی گفته شده که اگر چنانچه این شهبانها بهمانطوری که بوده است تجدید شود اعلان میکنیم که مجلس چنین و چنان است از این جهت بنده خواستم دفاع کنم و رفع شبهه از کوبنده آن بیان بکنم و خواستم عرض بکنم که مقصود کسانی که پیشنهاد می کنند یکی این که عرض محلاتی بوده است و این فرض محلاتی اینست که هر ۳ ماه به ماه این شهبانها تجدید نشود و وقت نمایندگان صرف تعیین کمیسیون هائی که از این شهبان معین می‌شود بخورد این شهبان نشود و حاضر آقایان نماینده کان بکارهای مملکتی و امورات مهم مصروف شود و یکی دیگر اینکه اغلب ایراداتی که تنها آنها هم دیگر رملقات می‌کنیم و می‌گیریم اینست بلفظ مجلس و عموم نمایندگان ایراد می‌گیریم و حال آنکه این صورتیست اگر دو یا سه نفر از حدودشان تجاوز نمایند داخلی بمجلس و عموم نمایندگان ندارد بنده این را می‌خواستم عرض کنم و اجازه خواستم حضرت رئیس وقت را مقتضی ندانستند که مذاکره شود بان جهت عرض نکردم و امروز می‌بینم که در روزنامه می‌نویسند ادیب التجار در مجلس داد و در یاد برد و حال آنکه ادیب التجار خواست بترشح شعبه از نمایندگان کان محترم بکنند **ارباب کیخسرو** - بنده اولاً نمی‌دانم نظامنامه برای چه نوشته شده است ادیب التجار پس می‌شود اظهار می‌کنند که هر سه ماه به سه ماه یک بار هر شش ماه بشش ماه شهبان تجدید نشود در صورتیکه نظامنامه داخلی با اکثریت يك همه حکمی کرده است و اگر چنانچه پررور اظهار شد که يك پیشنهادی شده است - اگر يك پیشنهادی شده است وقتیکه گذشت آنوقت میشود بآن عمل کرد این يك مسئله - مسئله دوم خواستم از آقای رئیس استعدا کنم که در صورت مراعات نظامنامه داخلی را بفرمایند اینجا يك شرطی برای اخطار شده است بنده ملاحظه میکنم خیلی مطالب در اینجا واقع شده که قابل اخطار بود و آقای رئیس اخطار نکردند اگر ملاحظه این را کردند که اگر اخطاری بکنند شاید بهمان بیاید ما نباید بد بکنیم تا اینکه بدان بیاید کسیکه خلاف کرد بموجب نظامنامه که اختیار بر رئیس داده شده است باید اخطار خودشان را بکنند تا مراعات نظم بشود . **رئیس** - حالا در صورت مجلس اگر حرفی دارید بزنید . **افتخار الواعظین** - بنده می‌خواستم عرض کنم که در جلسه سابق يك پیشنهاد کردم موافق نظامنامه داخلی باید فوراً در این پیشنهادی که بنده کردم حضرت رئیس رای بگیرند اگر با اکثریت قابل توجه شد البته بمقاد آن عمل خواهند کرد و اگر